

مبارزه ضد امپریالیستی
از مبارزه برای دموکراسی
جدانیست

کارگران و زحمتکشان
متحد شوید

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران

۲۰ صفحه

چهارشنبه ۱۸ آذرماه ۱۳۶۰

سال سوم - شماره ۱۳۹

خمینی با تمام توان، در جهت پاسداری از سرمایه

زمینداران ما در شده است. هر چند تا کیست روشن خمینی بر جلوگیری از هرگونه تعرض به اموال و املاک محترم و همچنین ما بر - فرامین سخنان او چون جلوگیری از اجرای بند "ج" و تا کیست فرامین بر جلوگیری از "کارهای افراطی" و بخصوص هرگونه "تقسیم املاک و معادله اموال" و... دیگر بخوبی - چهره او در حفاظت از سرمایه داری روشن ساخته است اما کافیت آنان که کوچکترین شبهه ای نیز در رندگه تا بدفرمان خمینی در جهت جلوگیری از اعمال وحشیانه و سرکوب - گرانه ارگانهای سرکوب، تعرض به مال و ناموس نموده ها، تفتیش و خانه گردی و... ما در شده است میتوانیم تند به بخشنا - "دادستان کل انقلاب که در همان روزها در شده است مراجعه کنند. در این بخشنا - آمده است در مورد متهمین غیرگروهک های محارب یا افرادی که آزادیشان با فرارهای نامین و شایعه و کفالت امکان پذیر است -

بقیه در صفحه ۱۶

خمینی در فرمانی به تاریخ ۱۶ آذرماه که خطاب به شورای عالی قضا شد "دادستانی انقلاب" ما در شده دستور داده است که "افراد غیرمسئول و احتمالا از گروه های منحرف و گاهی مقامات مسئول که برخلاف مقررات اسلامی و قانونی متعرض اموال و املاک -

محترم مردم میشوند و بطور سرخود به تقسیم املاک و معادله اموال اشخاص میپردازند و گاهی به منازل اشخاص بدون مجوز شرعی و قانونی وارد شده آنان را جلب مینمایند و اگر شخص مورد نظر نباشد بستگان و زن - و فرزندان او را جلب میکنند و گاهی به بهانه ها بی هتک آبرو و حیثیت اشخاص را - میبندند و با این اعمال غیرشرعی هتک جمهوری اسلامی و مقامات قضا بی را میکنند باید احضار و پس از اثبات جرم به مجازات برسند" (نقل از متن پیام ۱۶ آذر خمینی تا کیدای زمان است) کمالا روشن است که این فرمان در جهت حراست هر چه بیشتر از سرمایه و پاسداری از مالکیت سرمایه داران و -

سرمقاله



دموکراسی بگیر پروتزی و نایگیری دموکراسی خرده بورژوازی

نزدیک به شش ماه از شکل گیری اختلاف سیاسی معاهدین خلق با لیبرالها و تشکیل "شورای ملی مقاومت" میگذرد. این شورا در نخستین روزهای شکل گیری خود بک برنامهای اصلاحی بورژوازی تحت عنوان - "میثاق شورای ملی مقاومت" عرضه داشت. در تاریخ هفتم مهرماه ۱۳۶۰ با ردیگرازی سوی مسعودجوی یکی از رهبران سازمان معاهدین خلق و مسئول "شورای ملی مقاومت" برنامهای اصلاحی "میثاق" تحت عنوان "برنامه دولت موقت جمهوری دموکراتیک اسلامی" بعنوان وظایف فوری این دولت، اعلام شد.

این برنامه که از بسیاری جهات نسبت به میثاق بورژوازی فرمیستی "شورا" گام به جلو محسوب میشود، بیاننگارین واقعیت است که معاهدین خلق کوشیده اند تا حدی خود را از زیر بار میثاق فرمیستی میثاق - برهانند، با این وجود هنوز مهر و نشان - میثاق در برنامهای که خود آنهاست، اختلاف معاهدین خلق با لیبرالهاست به وضوح دیده میشود.

در مقدمه برنامه مسعودجوی ضمن پیش از همگان بخاطر عدم توضیحات کافی از جانب وی بپیرامون میثاق "شورا" و اشتباه گرفتن آن با بیکرمانها از جانب برخی "سازمانها" و شخصیتها "علام میدارده" - "مواد میثاق صرفا جدا قلهای لازم برای پیوستن به شورا است" و پس از آن برنامه ای را تحت عنوان "برنامه دولت موقت جمهوری دموکراتیک اسلامی" ارائه میدهد. از این رو ما بحث خود را بپیرامون این برنامه آغاز -

بقیه در صفحه ۲

سیادت های اختناق رییم نشانه ترس اوست

روشها و تمهیداتی را پیشه کرده است تا مگر جوخقان و اختناق حاکم بر جامعه را تداوم بخشد و دیکتاتوری فاشیستی خود را تثبیت نماید. روشهایی که به جرات میتوان گفت درسیا هنرین دیکتاتوری ها نیز کم سابقه بوده است.

بقیه در صفحه ۱۳

رییم جمهوری اسلامی پس از اینکه کشتار و اعدام جوانان را در ماههای اخیر به آنها بت خود را ننید و پس از اینکه پرده فریب و شیرینک را بر چهره خود با سر نیزه درید و سرگوسی عربیان را در راه باده بستن مبارزات نموده ها در پیش گرفت، اینک

در این شماره

♦ جنبش کارگری

♦ جنبش جهانی

♦ ارگان سازمانی، نقش و...

♦ ضرورت جدائی دین از سیاست

از تجارب مبارزاتی

بیاموزیم

در صفحه ۳

نابود باد امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکای پایگاه داخلیش

دموکراسی

همین نکته که "مواد میناق" صرفاً "حداقلهای لازم برای بیوستن به شورا است" آغا زمینکنیم که بمیانترین وجه از یکسونا پیگیری - دمکراتهای انقلابی و آزوی دیگر نقش آنها را در مخدوش کردن خط و مرزها و ستان دشمنان خلق و نیروهای انقلاب و نقشه انقلاب نشان میدهد.

ما پیش از این طی مقالات متعدد - پیرا مون "میناق" نشان دادیم که "میناق" چیزی جز برنا مه و فرمیستی بورژوازی - لیبرال نیست. میناق آن جا جزو بیست که بورژوازی لیبرال نیروهای اپوزیسیون را حول آن بسپارزه علیه سران کنونی رژیم جمهوری اسلامی فرا میخواند و ما هین خلق نیز نه تنها خود بدینسان له روی از بورژوازی و برنا مه های فرمیستی آن در غلطیها و عداوتها که از همه نیروهای انقلابی و مخالف رژیم دعوت میکنند که با بد پرش این حداقل "به شورا" ی خلق مقاومت نیبیبوندند. ما هین خلق بجای اینکه حداقل لازم برای بگرشته شدن آنها و اشتقاقها بر مینای اساسی ترین و رادیکالترین خواسته های طبقات و اقشار انقلابی جا معه را شده اند بنا به سرشت طبقاتی خود این حداقل را - تا سطح منافع و درخواستهای بورژوازی - تنزل میدهند.

پرسیدنیست که آیا کدا میک از مواد - "میناق" که میناقی حداقل و روده شورامحسوب میشود آن عامل با زدا رنده است که با منافع بورژوازی در تضاد قرار دارد؟ پرسیدنیست که کدا موانع محدود - بنها در میناقی ما منع مخدوش گشتن خط و مرز انقلاب و عدا انقلاب محسوب میگردد؟

ما هین خلق بجای منما بزر کردن خط و مرز نیروهای انقلاب زدا انقلاب با مینا قرار دادن میناقی بعنوان حداقلی برای بیوستن به "شورا" عملی مقاومتی و بیسی از نیروهای نا همگون طبقاتی را که منافع آنها با میناقی با یکدیگر در تضاد قرار دارد - با نجا دو همکاری فرا میخواند. البته این امر نه تنها از بدخواهی آنها بلکه از یکسو بدان علت است که خرده بورژوازی قادر نیست یک موضع طبقاتی مستقل اتخاذ کند و بنا به شرایط وجودی و طبقاتی خود میان پرولتاریا و بورژوازی نیوان میکند. و نجا بدنگان فکری و انیزقا در نیبندنیست که موضع انقلابی مستقل اتخاذ کنند و پیگیری لازم را داشته باشند و آزوی دیگر نتیجه - اجتناب بنا پذیرا اختلاف آنها با بورژوازی با مظلله پیرا ل محسوب میگردد و از همین جا است که هرگونه عیار رت پرده از پیرا مون - تحقق خواسته های مردم و اهداف و محتوای انقلاب چیزی جز کلمات میان نهی از کار - در نخواهد آمد. برنا مه هنگا میگه به کلیات میپردازد. آرمانها، منافع و خواسته های خرده بورژوازی را در انقلاب دمکراتیک متکس میسازد. به "محتوا و خصوصیات - دمکراتیک و ضد لیبرالیستی" اشاره میکند. از استقلال در فرآگیرترین مفهوم سیاسی - اقتصادی، فرهنگی، نظامی... یاد میکند. بر لزوم "قطع همه روابط با اشرار امپریالیستی و افشاء و القاء آنها در زمینه های مختلف تا کید میکند. بر تغییر برنا عتار سیاسی و - اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی جا معه "با میناق" رده و میگوید "کلیه روابط عتارها، قوا نیب و مناسبات اجتماعی کمپرادوری و ارتجاعی ملتی و بجای آن مناسبات نهی استقلال طلبانه و دمکراتیک مستقر گردد.

حتی با آرا از این هم فرا تر میگذارد و خواهان "حقوق" است و اشترا را "است" اما هنگا میگه سر بر برنا مه را از نظر میگذارد نیم. هیچ نشانی از برنا مه عملی در جهت اقدامات اساسی و تغییرات انقلابی چشم نمیخورد. تنها آثاری که محتوای انقلاب و لزوم قطع روابط استارت با امپریالیستی و مناسبات اجتماعی کمپرادوری و ارتجاعی و تغییر برنا عتار سیاسی و اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی "کافی نیست، باید بدید که برنا مه چه راه حل عملی مشخصی برای تحقق این اهداف عالیه اراشه میدهد؟ چگونه خواهان تغییر مناسبات موجود است؟ چگونه میخواهد عداقت اقدامی - اجتماعی موجود را تغییر دهد؟

در حالیکه پرولتاریا و انقلابی در - برنا مه حداقل خود، پیش شرط هرگونه تحول اساسی، القاء مناسبات و تغییر نظام - اقتصادی و اجتماعی موجود در درم نگشتن اس و اساسی است و دولتی موجود نیستی ما شین بوروکراتیک - نظامی بورژوازی قرار میدهد. ما هین خلق با حفظ و نیوان این ما شین نظامی - بوروکراتیک و عدا اطلاعات اساسی را ب مردم میدهند. ما هین خلق در برنا مه "خود ما زمان - ارتش با انجام راه های فرمهای بوروکراتیک و انجام اطلاعاتی در بوروکراسی موجودند، ما هین خلق از نفاذ قضایا گور کورانها در ارتش سخن میگویند، اما این خبرا بدنی آنها در عدا مشورت از پرسنل ارتش پایا ن - میپذیرد.

ما هین خلق نه تنها از شورا های سربازان و پرسنل انقلابی ارتش که با ذات ارتش بورژوازی در تضاد است سخن نمی گویند، نه تنها به تسلیم عمومی خلق که توافقی ارتش جدا از مردم است، اشاره می - نمیکنند، بلکه بر عدا خود جدا از زمان و نیوانی ارتش موجود سخن میگویند.

در حالیکه دمکراسی پیگیری پرولتاریا بهی که شرط هرگونه تغییر برنا می است در عدا عتاقصای - اجتماعی موجود در درم نگشتن ما شین دولت بورژوازی موجود اس و اساسی آن یعنی ارتش و بوروکراسی قرار میدهد. با شعار "تسلیم عمومی خلق، مسلح کردن کارگران و دهقانان، و بر سرست شناختن شورا های - سربازان و پرسنل انقلابی ارتش، خواهان ارتش انقلابی شده ای بعنوان ابزار - اقتدار دمکراسی انقلابی پرولتاریست.

در "برنا مه" نه تنها ارتش بلکه در کنار آن دستگاه بوروکراتیک موجود با انجام راه های اطلاعاتی حفظ میگردد. گرچه ما هین خلق در این برنا مه به "نظام شورا" می گه - بگفته خود آنها "متکا ملترین شکل اداره مورکشورپا بداری انقلاب افشاء راه می کنند، و میگویند "تضمین پیروزیهای نهایی انقلاب و همچنین تثبیت آزادی و استقلال با پدارکشور آزوی دیگر مستلزم دستبازی به متکا ملترین شکل اداره مورکشوراست. "تکلی که گنگا بش جهت گیری و محتوای عدا استشاری را داده و بیوتوانند دست آوردهای انقلابی و مقدم بر همه آزادی و استقلال - با پدار را تثبیت کند. "با این وجود، در عمل دستگاه بوروکراتیک موجود در برنا مه خود حفظ میکنند، و تا با نجا پیش میروند که از دمکراسی انقلابی نیز - با شین ارتش آمده و دمکراسی انقلابی را نیز نمی میکنند.

اگر برناستی ما هین خلق با این امر اعتقاد دارند که بورژوازی نهایی انقلاب و تثبیت آزادی و استقلال "وبا لافره" متکا مل ترین شکل اداره مورکشور "شورا ها است

پس علت چیست که در برنا مه آنها این شورا ها به ارگانهای بی بود عاصیت و هیچ کاره تبدیل میشوند و تا حد مرادگرو - ارگانهای مشورتی تنزل میبایند؟

چرا ما هین که میگویند: "محتوای مردمی آزادیهای مورد بحث ما به ما لیترین صورت خود در گسترش شورا های مردمی ظاهر میگردد. و تطهین حکومت مردم بر مردم اساساً هیچ شکل عملی جز بیست شورا های - مختلف در همه زمینه ها را در "شورا های انقلابی" نوده های خلق، شورا های کارگران، - دهقانان، سربازان، شورا های عدا رین و دهانگا ها را بر سرست نمی نشانند و آنها را تا حد مرادگرو مشورتی تنزل میدهند؟ و چرا دستگاه های دیگری جز شورا که در حقیقت همان بوروکراسی است، تصمیم گیرنده است؟

آیا این در عمل نفی "حکومت مردم بر مردم" نفی دمکراسی نیست؟ روشن است که این تناقضی در همان حال که بیبا نگر نشا پیگیری دمکراتهای انقلابیست، بیبا نگر این واقعبات است که ما هین خلق در اتحاد با بورژوازی لیبرال میخواهند در کنار ارتش ثابت و منظم بورژوازی، رکن دیگر ما شین دولت بورژوازی یعنی بوروکراسی

را حفظ کنند. در حالیکه - بوروکراسی که پرولتاریا و انقلابی بعنوان پیگیری ترین نیروی انقلابی و دمکراسی پرولتاری بعنوان پیگیری ترین دمکراسی خواهان درم شکست بوروکراسی در کنار ما شین نظامی دستگاه دولتی سپرده شدن اداره امور - کشور بدست خود مردم و شورا های کارگران، - دهقانان و اقشار دیگر خلق بعنوان ارگان - های اقتدار روده است، از این رومی بهیتم که - برنا مه از زمان آغا زابتگا و عمل از توده مردم سلب میکند و علیرغم تایدات مکرر برنا مه بر محتوای انقلاب و لزوم تغییرات اساسی در عدا اقتصادی - اجتماعی موجود، راه را بر هرگونه تغییر اساسی در - سیستم اقتصادی - اجتماعی موجود میبندد.

ما هین خلق در این رتا مه تا بدان حد از خودنا پیگیری نشان داده اند که در سراسر برنا مه یک بارهما اشاره ای به همه راههای - های وابسته داخلی و سرما به های امپریالیستی نمیکنند و از ملی کردن صنایع سخن نمیان نمی آورند.

چگونه میتوان تصور کرد که در برنا مه - ای که مکرر به لزوم تغییرات عدا اقتصادی - اجتماعی و القاء مناسبات کمپرادوری اشاره میشود، از ما دره برما به های وابسته داخلی و امپریالیستی از ملی کردن صنایع بزرگ سخن نمیان آورده شود؟ البته بافتن علت این مسئله چندان دشوار نیست. این همان اشکالی است که ما هین خلق با بورژوازی با صلاح پیرا ل و دفاع از منافع بورژوازی صنعتی است که اینچنین آشکارا در برنا مه خودناستی می کند. اما پرولتاریا که پیگیرانه خواهان تغییرات اساسی در مناسبات موجود و تغییر نظام اقتصادی - اجتماعی کنونی و برقراری نظام منوب و عالتی تریت، به سه مراحت اعلام میدارد که بدون معادرتام - سرما به های وابسته بدون معادرتام - سرما به های امپریالیستی بدون ملی کردن صنایع بزرگ، بدون ملی کردن صنایع بزرگ و چونیونجارت داخلی کلان نمیتوان از تغییر نظام اقتصادی - اجتماعی موجود سخن میان آورد.

این نا پیگیری ما هین خلق نه تنها در زمینه های وابسته بلکه در سراسر برنا مه چشم میخورد. در برنا مه به "تک اطلاعات -

سرتگون باد رژیم جمهوری اسلامی برقرار باد جمهوری دمکراتیک خلق

جنبش کارگری



ارتقا رب مبارزاتی بیا موزیم
= مبارزات دلیرانه کارگران شوقا زکار =

در هفته های اخیر شاهد مبارزات اوج گیرنده توده ها و دربرای آنان کارگران زحمتکش بودیم. عتاب و مبارزه پرشکوه کارگران استرالیای، اعتراضات وسیع کارگران شهر صنعتی البرز به خواجه و سایر برسیاستهای ضد کارگری رژیم، تحریم انتخابات شورا های فرامانی، در برخی کارخانه های صنعتی و حتی در موردی انتخاب نما پندهای درواری انتخاب "اسلامی" تحمیل شده و... نمونه های مضمی از جو منتشج و اشجار آمیز کارخانجات است. مبارزات دلیرانه کارگران - شوقا زکار رشید در چنین شرایطی شکل گرفت.

کارخانه شوقا زکار، کارخانه ای خصوصی است، در پی اوگیری تضاد بین شوری "اسلامی" کارخانه و صاحب کارخانه شورا تصمیم به کناره گیری از صاحب کارخانه و دولتی نمودن آن میگیرد. مدتی بعد شوقا زکار که از صاحبکاران عمده آن نیز میباشد، جایی با با نا امداد ردوی که دارای گرایشات "لیبرالی" است به علت سیاست های ضد کارگری مورد عتاب و در صورت کارگران قرار دارد. او پیش از سال است که جلوی اجرای طرح طبقه بندی را گرفته است و همچنین برای آنکه تعداد کارگران کارخانه را کمتر از ۵۰۰ نفر حفظ کند دست به استخفاف کارگران موقت زده و هر سه ماه آنرا از اخراج و کارگران دیگری را بکار میگیرد. شوری اسلامی کارخانه را ترکیب سه کارگر و دو نفر سرپرست تشکیل شده است که به است آنرا رئیس انجمن اسلامی کارخانه نامیده شده است. کارگران کارخانه به برعهده دارد. کارگران کارخانه این حرکت (۶۰/۸/۳) به علت ضعف نیروی پیشرو و کمبود آگاهی و تازه تشکیل بودن انجمن اسلامی هنوز توهم خود را نسبت به رئیس شورا (صنعتی) حفظ کرده بودند. شورا (و در حقیقت انجمن اسلامی که از سوی کارخانه کارگر حمایت میشود) تصمیم میگیرد صاحب کارخانه را اخراج نماید و کارخانه را دولتی کند. از این رو در تاریخ (۶۰/۸/۳) صنعتی با تعدادی از کارگران شیفت عصر صحبت میکند که فردا صبح به سر کار ربابیند. صبح (۶۰/۸/۴) شوری اسلامی به یاری کارگران حاجی با سایر مدیرعامل و سایر مدار عمده، اقوامی رئیس امور اداری، مهندس آبگین، مرفی سرپرست مونتاز یک و خواهرزاده مدیرعامل و چند نفر دیگر را که مورد تنفیج کارگران شوقا زکار میباشند و مگر "تاکید می کنند که کارخانه با ملی شود" و با بد مذکر شد علیرغم تبلیغ شورا و انجمن اسلامی برای دولتی کردن کارخانه این امر در میان کارگران برود چندان نسی نداشته و آنان معتقدند "اگر کارخانه

دست دولت بیفتد، میخوابد". مزایا کم میشود و کلا کارگران از اینکه "حزب - اللهی" ها حاکم شوند، "باز زنگرانسی میکنند". بهر شکل کارگران از اخراج این افراد بسیار خوشحال بودند اما در مقابل مسئله "ملی شدن" عکس آینه تا شدت میانی نشان نمیدادند. پس از این عمل شورا و انجمن اعلامیه مشترکی دادند که به شکل روزنامه دیواری در کارخانه نصب شد و از کارگران خواسته شده بود که دست به اعتصاب و کم کاری کنند و با سرپرستها و مهندسان همکاری نکنند و اگر کسی اخلال کند تحویل دادگاه انقلاب داده میشود. روز بعد نیز حدود سه نفر از جمله مدیر شورا تولید را اخراج می کنند. در این روز یک نفر با حکم دادستانی آمد تا مسئله را مورد بررسی قرار دهد و برای ایجاد جو عیب و ترس در کارگران چند نفر آنها را به بازپرسی فراخواند. اینگونه به نظر میرسد که از آن زمان تا کنون همی ها تا می داشته و تپانی کرده اند. اما روز شنبه (۸/۹) ورق برگشت. در این روز کلیه اخراجی ها به جراحی با نسیا به سرکار برگشتند و به اتفاق آنها یک - آخوند و چند نفر دیگر آمدند و ساعت ۱/۵ در رستوران سخنرانی کردند. آخوند پس از کمی مقدمه چینی گفت "ما برای ما زش - نیا داده ایم" گفت "برای اینکه ما لایق مالی کارخانه بچرخد فعلا کلیه اخراجی ها بر سر کار آمده اند و پس از آن نیز نما پنده داده استانی همین سخنان را تکرار کرد. سخنرانان "کلا" صحبتی از ملی شدن کارخانه میان نیا آوردند. کارگران میگفتند "مثل اینکه دشمنان را دیده اند" یا "سها داران شرکت به معنی علامه الدینی خیلی نبود نگاه نفوذ داره و نمیداره کارخانه ملی شود". کارگران در میان اینکه در پشت این حرکت منافع انجمن اسلامی و منافع آنها نهفته است. آنان در میان اینکه در خواسته های مطرح شده عصبی سخنی از طرح طبقه بندی، افزایش حقوق، بهداشت محیط کار، مسکن و... نیست بلکه شاملی صحبت در ابتدا بر سر "دولتی شدن کارخانه" آمدن مدیر مکتب و بعد بر سر "اسلامی شدن محیط و تسهیلات برای انجمن اسلامی" میگزازی. نما و غیره است. این آگاهی نظلیه حرکتی میگرد که از روز شنبه (۸/۹) فصل نوی آن آغاز زکشت. روز پنج شنبه ساعت ۲ صبح حاجی با سایر اخراجی های دیگر به کارخانه میباشند. بلافاصله کلیه قسمتها تعطیل شده کارگران اعتصاب میکنند و همگی به جلوی قنصلیت آمده و کار را میخواستند. انجمن اسلامی (و بخشی از افراد شورا) که اینک از حرکت کارگران وحشت زده شده اند جهت سها رگزم آن میگویند "چون صنعتی رئیس شورا (یعنی همان رئیس انجمن) در کارخانه نیست به سرکار رباب زگردهد" کارگران به علت عدم تشکل و حفظ بقایای توهم خود نسبت به صنعتی به سرکار بر میگردند. ساعت ۱/۵ کارگران هر دو شیفت صبح و عصر به سخنرانی فراخوانده میشوند. اینک دیگر انجمنی و دادستانی دست به دست یکدیگر داده بودند تا شایعاتی را پراکنند "خوبی و خوشی" با بان دهند و حرکت کارگران را خوا رکنند از سوی دادستانی شخصی بنام خوشبختیان آمده بودند مسئله را بسود حاجی تا با سایر دهنده این شخصی قبلا "نیز" اعتصاب یکما میان کارگران را بسود حاجی تا با حل کرده بود و از این رو کارگران را منفور کارگران بود. خوشبختیان حدود نیم ساعت به مزخرف گوئی و شایعات پراکنی پرداخت. جلسه کارخانه - منتشج بود کارگران پشت اعتراضی - میگردند و میگفتند "ما ترا می شناسیم - شو طرفدار حاجی با با هستی و بشدت فشار

میا آوردند که "سرپرسترا مل مطلب را بگو" کارگران چندبار میگویند و از دست این مزدور گرفتند و به اشدت اعتراض کردند. خوشبختیان گفت "هر کسی میخواد هد میتواند برود و هه کارگران با هم گفتند "زیادی حرف نزن اصل مطلب را بگو" کارگر ماریزی با خشونت میگویند و از دست نما پنده دادستان گرفت و گفت "ببین همه کارگران مرا می شناسند و همه چی هم بمن نمیچسبد. زود ترا مل مطلب را بگو نما پنده دادستان بخال خودش کارگران را شهید کرد و گفت "شخصی از این کارخانه در این فلان آب خنک میخورد که کارگران گفتند "او در رابطه با بیرون دینگین شده، ما را شهید نکن" و ایشا را چون بدست منتشج شد کارگر رزمیده با دینگر میگویند را گرفت و گفت "آقا بان کارگران آیه شانا این خبر را قبول دارید" همگی گفتند "نه" و رستوران را ترک کرده به ماشین آمدند. در حین ماشین آمدن شورا خود جوش "مرگ بر حاجی با با" کارخانه را بریزه در آورد و خوشم و کسب طبقه کاری کارگران پشت مزدوران سرمایه را لرزاند. کارگران با خشمی انقلابی بهما ختمان مدیرعامل حمله کرده خود را به اتاق مدیران رسانیدند و همگی را به با دکتک گرفتند. حاجی با با شدت مضروب شد و میز و صندلی پارچ و لیوان و سرش خرد گشت. کارگران بیشتر مدیران را کشتن کارخانه از در کارخانه خارج کردند. حرکت با لگرفته بود و کارگران ملاحظه خود را نگذاشتند. کارگران از کنترل انجمن شورا خارج بود. در این حرکت بیش از ۵۰۰ نفر کارگران شرکت داشتند. کارگری از شدت خشم و نا راضی تعدادت خود را از پنجره اتاق مدیران به پایین برتاب کشید و جلوی او را گرفتند. در اینجا خشم کارگران بسوی خوشبختیان را نما کشید و بیطرف نما پنده دادستان حمله کردند و تنها انجمنی ها را شواستند و نیز او را دور از بگیرند و از همه کارگران کنند. کارگران پس از اخراج و ضرب شتم مدیران به سرکار رباب زکشتند. آنان که شنها گوشه ای از قدرت لایزال خود را در کرده بودند میگفتند "خوشبختیان فلان شده ما را به اوین شهید میکند. بگر اینجا بشنوا از اوین نیست؟ طلوی کوره از اوین خیلی بدتر است". روز شنبه ۸/۹/۲۳ حاجی با با به همراه مهندس پورحیدری و ۳ پاسدار اخیال کارخانه شدند. کارگران فوراً کارخانه را تعطیل کرده از قسمت های مختلف بنا شورا "مرگ بر حاجی با با" سمت در آمدند. حاجی با با و پورحیدری فرار را برقرار و فریج دادند و مدیران نیز بگوشه های راهنراهی میگردند تا صحنه را دیدند همگی رفتند. حدود ساعت ۱۰ - آخوندی به همراه کریبی رئیس هیئت با کتبی از آمدند و با نمایندگان صحبت کردند. ظهر در نما زما ساعت آخوندتها ۲۰ نفر شرکت کردند و سخنرانی کردند که حدود ۱۰ نفر در آنجا بودند. اما هیچ وعده و وعیدی کارگران را آرام نکرد. کارگران از صبحه مالایی برخوردارند و هیچ وجهی فرستادن حاجی با با به کارخانه نیا بد. انجمن نیز هیچ روی - قا در نبود کارگران را سها رکنند و بد رستی آنها را در مقابل خود میباشند. جهت تحلیل این حرکت کارگران و بررسی وظایف پیشرو در این رابطه باید چند نکته را مورد بررسی قرار داد. ۱- علت بنیان حرکتی از سوی انجمن اسلامی یعنی حرکت در جهت اخراج مدیران میتوان از زوایای متفاوت بررسی نمود. از سویی شاهد جزئی ها و لیبرالها بقیه در صفحه ۲



جنبش کارگری

بفیهه زفمحه ۳.

که در با لاهور در بصورت اخراج و سرکوبی بنی مدرونی مدربون از کمیت حل نمودن در دردهای پائین تر چون کارخانجات و ادارات و خود را در چنین عکس العمل مایبی بازمیابد. از سوی دیگر با بد توجه داشت انجمن تنها به این خاطر در ابتدا به چنین اقدامی دست زد که مدیر (حاجی بابا) سمبلی استشارا روسکوب در نزد کارگران شوفاژ کارخانجات کارگران که هنوز انسان آگاه طبقه نشانی نباشد تا او کمین خود را نسبت به چند سرکوبگروا ششما رگز در نشانی نیروی تیر خرم خود پسوی دولت و مزدورانش بنا بندد تا می محرومیت های خود را در حاجی بابا می بندد و انجمن مر است در همین حمایت کارگران از این اقدام قادر خواهد بود تا می گاه و گوزه های سیاستهای ضد کارگری رژیم را نیز بر سر حاجی بابا بشکند و با آوردن مدبر مکتبی (یعنی یکی از مظهرهای خود انجمن) در عین بدست گیری کامل قدرت کارخانه کارگران را تا مدتی دیگر بفریبد.

با بد توجه داشت که زمینه حرکت کارگران کارخانه وجود داشته و مهیا بوده است و انجمن با پیوستن در آغاز حرکت در حقیقت بروج مبارزات کارگران سوار گشته است تا آنرا مبارزانه بدست آورد و رفقای کارگر ما دست بحرکتی سفارت گویانه زده است تا مبارزات کارگران را منحرف نماید.

۱- موضع کارگران در مورد دولتی شدن کارخانه را نیز میتوان از چند جنبه بررسی نمود. از سویی موضعگیری مخالف کارگران نسبت به دولتی شدن کارخانه بخوبی عدم اعتقاد آنها نسبت به رژیم و بدست داشتن کوچکترین توهمی در مورد آنها میبایست زحمتگشان و پشتیبان کارگران بودن که در صورت بدست گیری کارخانه توسط دولت آنها همچنان زیر پرچمهای استثمار و تحقیر نمانند خواهند شد. اما از طرف دیگر سنگینی چندر ایا بدیهه کارگران متذکر شده، کارگران باید بدیدند در آنجا که دولت دولتی سرما به داری است، دولتی شدن کارخانه مسئله ای را حل نمی کند، استثمار با برجات و شیرها جان کارگران با زهم به جیب دولت سرما به داری و از آن طریق به جیب امیربالیسم و سرما به داران - وابسته از بر می شود. اما دولتی شدن کارخانه تا به امت میگردد که مبارزه کارگران بشکل مستقیم رود در روی دولت قرار گیرد. در اینجا دیگر این دولت ضد خلقی است که کارفرما و صاحب کارخانه است و از اینرو مستقیما رود در روی کارگران قرار دارد. این مسئله مبارزه طبقه ای را می بیند به پیش میراند و کارگران را هر چه سریعتر با ما هیت دولت و حمایت او از سرما به داران آشنا میزند. در اینجا مسئله خوب بودن و بهتر بودن مطرح نیست کار بر بر سیم کارخانه خصوصی مطرح است یا کارخانه دولتی "کلا" سوال غلطی را مطرح کرده ایم. باید بدید مسئله از چه زاویه ای مطرح است. شدت استثمار و میزان دستمزدها و مزایا و یا پیشبرد مبارزه طبقه ای در مورد شدت استثمار و میزان دستمزد و بهیچا نت محیط و رفاه و... هر چند ممکن است در اشکال متفاوت کارخانه خصوصی و دولتی تا در مدتها چیزی مسئله تفاوت کند اما کلا دستمزدها و رفاه اجتماعی و سایر فواید مذکور را در کل سیستم حاکم تعیین می کند و در چهارچوب مشخصی محصور

میباشد. ما در مورد پیشبرد مبارزه طبقه ای دولتی بودن کارخانه مبارزه را در کارخانه تقسیم شرو مشخص تر سوق میدهد و از اینرو یک پدیده است کارگران پیشرو هیچگاه به تبلیغ دولتی شدن کارخانه نجات توسط رژیمهای سرما به داری نمی بردند. هیچگاه دولتی شدن را بعنوان حل مشکلات کارگران و چاره درد آنها تجویز معرفی نمی کنند، کارگران پیشرو تبلیغات خود را بر مبنای انقلابی استوار می سازند و اینگونه در پیروزی های رفیقمندی را به توده ایها و نوجوه های اکثریتی راست - شان واگذار نمی کنند. اما این به معنی مقابله با دولتی شدن نیست. بگذاریم سرنگونی دولت را تبلیغ و ترویج کنیم و کارگران را در این راه هدایت کنیم حال اگر در این مسیر دولت تحت فشار مبارزه طبقه ای کارخانه دولتی گردد ما در مقابل آن نخواهیم ایستاد بلکه به کارگران توفیق می دهیم مسئله اصلی و مبارزه اصلی در جای دیگر جریان دارد.

۲- اعلامیه مشترک شورا و انجمن اسلامی و همچنین حرکات بعدیشان در جهت تیار کردن مبارزات کارگران بخوبی نشان داد که "مبارزه" قدرت انجمنی ما با مدتها در روز دوم یا ن با فته بود. از اینجا دیگر جریان سیل بود که انجمنی ها را دست و پا زدن به دنبال خود می کشید. بررسی مفاذا اعلامیه مشترک اگر ما در این جا به ان نمی بردیم (بخصوص بنیانگزار ما هیت سرما به داران و ضد کارگری انجمن است (دعوت به همکاری با سرپرستها و مهندسان، افزایش شدت کار، ممانعت از اعتصاب و اعتراض سعی در برآه - انداختن سیستم، تهدید به تحویل کارگران به دادستان انقلاب و...) این عملی است که با بد کارگران مترقی و پیشرو به آن می بردند و با انکار به تجارب عملی کارگران آنها ترا هر چه بیشتر به ما هیت انجمن آگاه ما خسته آنها را بر علیه آن متشکل نمایند.

۳- بررسی شکل پیشرفت مبارزه و نتایج حاصله از آن (تا مقطع کنونی) بخوبی می بیند که کارخانجات که مل عنصر خود بخودی و خود تکلیفی و ضعف عنصر آگاهی در این مبارزه است. علیرغم اینکه کارگران در محبتی از روزمره شان از شورای واقعی سخن میگویند، از نبود طرح طبقه بندی - مینالند، عواست را بهیچا نت محیط کار از دین حقوق و سایر خواستهای رفاهی هستند. سختی کار و مشقت کار کردن - ه شبها را لمس نمی کنند... اما کسل تیلور خواستهایشان بهیچا نت در جهت خود تکلیفی و حرکات انجمن در جهت منحرف کردن مبارزه، در اخراج حاجی بابا و متیلور گشته است. کارگران که با اشکال پیشرفته مبارزه چون اعتصاب، تشکیل شورا و حتی کنترل کارگری آشنا هستند در مبارزه خود به اشکالی چون کنگ زدن مدیر و ترک جلسه سخنرانی و... متوسل میشوند. در این مورد تنها نقش عنصر پیشرو است که میتواند این تجارب عینی کارگران را انجمنی کرده به - ارتباط مبارزات آنها می بردد.

۵ - پیروزی مبارزات دلیرانه کارگران شوفاژ کارخانه در پیروزی بی شکستگان را در عراق نشان از این است که مبارزه با سرپرستها و توده های مترقی و پیشرو، از نیروی و ایمان به پیش تاخت تا بتوانان بیولتا ربا را گنه پتک برگرفته از زنجیر کارگران از پای بردارند و می نمود.

آری کارگران پیشرو مبارزه با خواسته های کارگران شوفاژ را در اشکالی

منسجم و بر خاسته از مبارزات آنان تبلیغ کنند. مبارزه کارگران را حول خواستهای چون - اخراج حاجی بابا و سایر مزدوران مورد تنفر کارگران - حرکت در جهت ارائه و اجرای طرح طبقه بندی مشاغل - ایجاد شورای انقلابی، سرگزاری مداوم و مرتب مجامع عمومی و بازخواست از شورا، بهیچ نبود در این راه مبارزه پیش از پیش انجمن اسلامی را افشاء و نیز منزوی کرد. با بد تبلیغ و ترویج ارتباط کارگران انجمن با رژیم و سلطنت است. انحلال آن غنم طبقه ای کارگران را به سوی این کارگران ضد کارگری و از این طریق بهیچ رژیم نیست و سودا د.

میتوانیم بگویم که به علت کمبود مواد اولیه نسبت کمبود سازی مجدد، تعطیل شد. گفته میشود به علت نبود مواد اولیه ممکن است کارخانه بسته شده و یا ما تا در تعطیل با بدو - پنجشنبه ها تعطیل شود. یک هشت هفت - نفره از طرف کارخانه تعیین شده اند تا برای خرید مواد پیل و مواد اولیه بهیچد بیرون رود و خرید را از طریق دولت بهیچد بگیرند. همچنین در تاریخ ۸/۲۲ از طرف انجمن اسلامی کارخانه، سرپرست روابط عمومی سها به داران ابهر جهت سخنرانی به کارخانه آمد. در سخنانش گفت: رجوعی قرآن را طوری تفسیر کرده که به سوسا لیسیم گرایش داشت. و با زرگان به کار پیتا لیسیم (سرما به داران) و پیتی مدرم پیتی و آقای دکتر پیمان هم طوره دیگری بهره برداری نمود. در سخنانش بیشتر متنی ها را کوبید در صورتی که متنی ها در کارخانه انگشت شیارند.

با زهم اخراج - به نقل از غروب - نشریه هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - شیراز (شماره ۹)

در تاریخ ۲۷ مهرماه ۶۰ حدود ۱۶ نفر از کارگران روغن نباتی طی خطی که از طرف مسئولین کارخانه از جمله سرپرست رباتی شیرازی داده شده بود اخراج میگردد. طول مدت استخدا می این کارگران از پنج سال نیز تجاوز می کرده، اما سرما به داران از لومفت بدون هیچگونه حق و حقوقی آنان را اخراج مینمایند. یکی از کارگران پس از اینکه خبر اخراج خود را میشنود از شدت ناراحتی و پشیمانی هنگام ترک کارخانه در همان حوالی بوسیله اتومبیلی زیر گرفته میشود و هماغه ننده ها و مدها کارگر دیگر قربانی سیستم ظالمانه سرما به داری میگردد و به شدت میرسد. مبارزه ای که کارگران جهت بازگشت سرکار و همچنان ادامه دارد.



آری کارگران پیشرو مبارزه با خواسته های کارگران شوفاژ را در اشکالی

ضرورت جدائی دین از سیاست

پس از بررسی اجمالی زمینه‌های ظهور مجدد حفرکردینی و استقرار جمهوری اسلامی یک سبب مهم هدفها و کارکردهای چنین حکومتی کدام بوده است و علاوه بر این رابطه این هدفها و کارکردها با شایسته‌ترین اصول از آن چیست. طبیعی است که با توجه به - محورهای گفتاری یعنی دین و دولت - سعی برای این خواهد بود که هدفها و نتایجی مورد بررسی قرار گیرند که شکل گیری و تحقق شان متکی بر جنبه دینی حکومت جمهوری اسلامی و قدرت روحا نیت بوده - است. لیکن معنای این تا که این نیست که کارکردها و نتایج مذکور صرفاً "در سایه" یک حکومت دینی قابل تحقق است. هر چند حصول بد آنها در شرایط ویژه‌ها معما - است. از طریق مذهب تسهیل شده و با جنبه - انگاشته می‌شود. به همین دلیل دیگر نیروهای شی - دیگر، در قالب حکومتی متفاوت - می‌توانند اندرخی از این کارکردها را متحقق سازند. فی‌المثل بروز هر چه و مرج یا بحران های اقتصادی، از جنبه های جدائی ناپذیر هر نظام مبرما به‌دراست - لیکن طرز کار اقتصاد و ویژه این حکومت به این مسائل اقتصادی و ویژگی خاصی بخشیده است.

از این گذشته، تحلیل کارکردهای جمهوری اسلامی نه می‌تواند و نه چنان که در اقتضای موضوع است، ضروری است که جامع و با قیاس از قضا و شهای سیاسی روزمره باشد. با این حال می‌توانیم جوانب گوناگون امر را بررسی کنیم. با از به عنوان مثال با دور شویم که ممکن است تحلیل گرامر روزی از خا طریقی که روحانیت همان نیروی است که توانست ثابت - بی باقیترین آنسوه شده‌ها را به میدان مبارزه علیه رژیم شاه بکشد. اندوای - حقیقت از لحاظ برخی نیروهای هوادار حکومت حاضر - همچنان که گذشته - حقاً "می‌بایست ارزیابی می‌شد - ارزشمند است، لیکن فشار و اقمیات روزمره ضروری می‌کنند که معلوم شود کیفیت این بیداری - سیاسی چگونه بوده و در خدمت کدام اهداف قرار گرفته است.

حال به بررسی مختصری در اطراف مهمترین هدفهای حکومت جمهوری اسلامی بپردازیم:

= جلوگیری از اذیت و تعقیب انقلاب =
با ملاحظه سطح تکامل نیروهای مولد، بسط متنا سبات تولید سرما به‌داری و بروز تناقضات میان توده‌ها و روابط حاکم بر آنها، حضور طبقات اجتماعی و نیروهای سیاسی نوین، پدید آمدن مفهوم گنگ جمهوری اسلامی، چه در شکل بازرگان - بنی مدنی و چه در شکل "خط امام راه - حلی نارساست که نمی‌تواند با سنگسوی توده‌ها از انقلاب باشد. روشن بود که - ادا و تعقیب انقلاب تا رسیدن به حد - اقل خواسته‌های خلق، در دستور کار جنبش قرار دارد. ادا و تعقیب در معنای تام خود یعنی رسیدن به اهداف سیاسی - اقتصادی و فرهنگی انقلاب ضرورتی بود که جوش و خروش انقلاب مردم‌پشتوانه آن بود. انقلاب در بستر حرکت خویش می‌بایست بورژوازی را از راه خویش برآورد، تا پیش از صدور حکم "انقلاب پس" استفاده از نفوذ روحانی آیت‌الله خمینی برای اجرای این حکم، توده‌ها در جهات - گوناگون و به شیوه‌های متفاوت در جریان صراحت بخشیدن به خواسته‌های خویش و آزمودن و یافتن شیوه‌های برآوردن این خواسته‌ها بودند و قدرت حکومت نوین به

طور رسمی مانعی در این راه نبود. لیکن رفته رفته به تناسب تحکیم پایه‌های قدرت و برپا شدن نهاد های خدایقلابی، تنافس و تنش میان نهاد های خود - جوش و نهاد های حکومت پدید آمد. حکومت جمهوری اسلامی اندک اندک آشکار گردید که جلوگیری از احراز هویت سیاسی و تشکیلاتی توده‌ها، یکی از اهداف مهم آن را تشکیل می‌دهد.

هر جا کارگران، دهقانان، کارمندان، معلمان و غیره نهادی برای حراست از منافع خویش برپا کردند، با مقاومت سرخستانه حکومت، آنهم روز بروز بیشکلی خونین تر روبرو شدند.

= تفکیک صف انقلاب از صف ضد انقلاب =
در جریان جنبش برای فروکشیدن - سرایت حکومت شاهنشاهی، نیروها و طبقات گوناگون و حتی متفاد اجتماعی دست در دست هم نهادند تا مانع اصلی بروز - تناقضات خویش را از میان بردارند. طبیعی بود که فی‌المثل بورژوازی متوسط و پرولتاریا که هر یک به جهات خاص خویش با نظام سیاسی شاهنشاهی در ستیز بودند، نمی‌توانستند پس از تحقق هدف "بمقتضی سقوط نظام سلطنتی، به اشتلاف خویش ادا می‌دهند. ضرورت این بود که اشتلافی بر اساس مفاد منطبق با ترقی و طبقات ارتجایی تشکیل شود. در عمل نیز طبقه - مراحل پیاپی، آن اشتلاف غیر طبقه - استی پیشین ("وحدت کلمه") از میان رفت و عناصر آن هر یک به شکلی از جریانی که خود را رفته رفته قوام می‌بخشید، جدا شدند و با کنا رزده شدند، لیکن این جریان باقی ماند نه نیز که خود را عمدتاً "از جنبش ایدئولوژیک (اسلام) متما یز و مشخص می‌کرد، با قوت تمام مانع از شکل گیری اتحاد های طبقاتی نیروها و طبقات انقلابی بود.

کوشش برای تفکیک مردم ایران، منطبق و جهان بر اساس درک گنگ و دشواری - مانوی "اسلام و کفر" یکی از عمده ترین موانعی بود که سعی بیست بگذارد هدف طبقات انقلابی و ضد انقلابی از هم متما یز گردید و حتی سبزه‌های درون طبقات خلق را دامن بزند و خود علت وزمینه‌ای باشد برای آن که در صفوف پوزیبسیون کسوتی نیز، امر - بندی روشنی میان طبقات اجتماعی وجود نداشته باشد. زیرا اکنون نیز، همچون شرایط آستانه، قیام بهمین هدف، هدف پوزیبسیون را می‌توان "هدفی منفی" ارزیابی کرد: -

براندازی حکومت، بدون اراشه در کسوت روشن از آنچه می‌تواند برای جنبش با بد متذکرند که پیشرفت نسبی که در جهت جدا شدن مرز نیروها و طبقات صورت پذیرفته علی‌رغم نیت و هدف جمهوری اسلامی بوده است. اما این واقعیت چیزی از هدف حکومت که برقراری آشتی میان طبقات متفاد دامن زدن به ستیزهای درون - طبقات به نام اسلام بوده، نمی‌گاهد.

= سرکوب خدای خلق =
در هم ریختن ارگان و موازین نهاد های سرکوب نظامی - پلیسی بر اثر جنبش عمومی توده‌ها، سرکوب مستقیم و غیر مستقیم، اگر نگوییم غیر ممکن گردید. توده‌ها مستقیماً "در برابر سرکوبگران - نظام شاهنشاهی می‌پستادند و با آن به ستیزی هر چند تا بر بر می‌خواستند. لازم بود برای میا ر کردن توده‌ها، نیروی "توجه مخروج" که از میان توده‌ها "سر آمده است، سرکوب را که بر آستانه زبایش ضروری تر شده بود، متحقق سازد. همچنین به مناسبت فروریختن نهاد های کهن و

تا کارهای شیوه‌های آن در مقابل با خلق، لازم بود در شیوه‌های اجرای قهر و سرکوب نیز تجدید نظر صورت گیرد. در نظام شاهنشاهی تا دل میان ابزارهای مادی (پلیسی - نظامی) سرکوب و ابزارهای معنوی ("ایدئولوژیک") به مرور با هم بود - ابزارهای دسته اول از میان رفته بود، بگونه‌ای که در روزهای پایان عمر حکومت مشروعیت ایدئولوژیک آن از میان رفته و با دست کم مورد چون و چرا واقع شده بود. موازنه وحشی در ابتدای تقدم ابزارهای ایدئولوژیک بر ابزارهای قهر مستقیم، ضروری شده بود، و بی‌شک این که توده‌ها شی - کثیر در صحنه "سیاست" خا ضرورتاً ظهور کردند. البته طرف مدتی کوتاه، تا کارهای ایدئولوژی اسلام برای فرونشاندن توده‌ها، آشکار شدند و نهاد های نوین قهر و سرکوب توده‌ها، در کنار رهنما های نا توان شده، پیشین قدر را فراشتند. لیکن آنچه در آغاز جمهوری اسلامی را برای نیروهای ضد انقلاب جالب و جاذب و مطلوب می‌کرد در اختیار داشتن همین حربه اسلام بود که در گذشته نزدیک از حیث توده‌ها جزو زراخانه مستقیم سرکوب نبود. در حال اکنون نیز مشروعیت سرکوب و اعتماد قهر علیه خلق، از نظر کارگزاران آگاه جامعه، مستی "بر" اسلام است.

= کنا رزده توده‌ها =
جنبش منتهی به قیام بهمین از یک حیثی می‌ماند و بدون فعال شدن ناگهانی توده‌ها شی کثیر التعداد بود که به طور مستقیم از عرصه سیاست برکنار و بی تجربه بودند. در تاریخ انقلابی جهان کمترین انقلابی را می‌توان سراغ کرده که طبقه این چنین وسیع از بی‌تجربیان و بی‌سوادترین نیروها، با اشتداد و تنوع و بی‌سواد کمک تا کشیکه‌های بالنسبه ساده و بی‌گناخت (نظا هرات، نظا هرات، ... و بی‌لاشکره اعتمادات) به میدان مبارزه آیند و در غیاب شکل های سیاسی - نظامی پیخته در کوره حوادث و جافتاده، اهرم انتقال قدرت به دیگران شوند. طبقه "این توده‌ها که تا پیش از تحویل قدرت "طبقه الهی" به حساب می‌آمدند، پس از چیزی جز "مواجه انقلاب نبودند و با پدیداری زود به خا به سرب می‌گشتند تا "رهبران" به سخت و بز های سیاسی مشغول شوند. همگان نیروی که این تا شیر ادا داشت که بتواند بخش وسیعی از توده‌ها، بویژه عقب مانده ترین آنها را وارد کار سازد، یعنی نفوذ دستگا روحا نیت، می‌بایست برای خشنی و بی اثر کردن آنها به کار افتد.

= تشکیلات زدا شعی =
بدین ترتیب بیرون راندن توده‌ها از عرصه سیاست و تحریف اهداف آنان، از سلب هویت طبقاتی از منافع آنان، از هدفهای اساسی حکومت جمهوری اسلامی بود. بخشی از توده‌ها که با انگیزه‌های عینی تر، دارای تاجار سیاسی و آگاهی طبقاتی بودند، و در نتیجه از حیث نفوذ اسلام برکنار بودند، به یاری معجونی از سرکوب و اقناع و به کمک اقشار ریا شین تر و عقب مانده تر سیاسی - اجتماعی، از فعالیت سیاسی منع شدند و از زمانهای آنان با مستقیماً و مراعاتاً زیر ضرب قرار گرفت و با درآمیختن مفاد مبرم اسلامی، از آنها سلب هویت شد. در این میان بخشی از نیروهای سیاسی مدعی هواداری از پهلوان ریا نیز قانع شدند که با حکومتی انقلابی سرکار دارند.

بورژوازی لیبرال نیز که فاقد تشکیلات و تعیین بود، از قدرت کناره رزده شد. حکومت فعلاً لانه‌ها هرچنان و تشکیلات و هرکاتونسوی اعم از صنایع، سیاسی، عقیدتی، و... که برپا به موازیتی جدا و متفا یز با موازین بقیه در صفحه ۶

ضرورت جدائی...

بقیه از صفحه ۵
اسلامی رسمی شکل گرفته بود و شکل میگرفت. حکومت میوزید، در این زمینه نیز "اسلام" حربه، علم بود و به کمک آن هرگونه سازمان اجتماعی - سیاسی علنی به صرف مخالفت با حکومت، از میان برداشته شد. البته ما بدیاد آورده که در این میان سازمانهایی که با اعتقاد انسانی متفاوت نباشند، از اهدافی حکومت پشتیبانی میکردند، نیز ممنوع شدند (اعزاب خالص بورژوازی که با غیراسلامی بودند و روایت رسمی از اسلام را نمیپذیرفتند).

= سبزیبا کمونیسم =
بخش مهمی از وظیفه سرکوب شده‌ها را سرکوب جنبش جوان و نوین کمونیستی تشکیل میدهد. سازمانهای کمونیستی که سررویه در رژیم‌ها هستند، درخاک قتل شکل درونی و ارتباط با توده‌ها بودند، در شرایط نیمه‌دمکراتیک آستانه، میام و اندکی پس از آن، به لحاظ مساعدت عوامل عینی توانستند تا حدی از نفوذ توده‌ای برخوردار شوند. معلوم بود که هیچ حکومت و نیروی بهتراز یک حکومت دینی نمیتوانست این جنبش فعال و پیکر در جهت براندازی نفوذ نیروهای جب نقش ایفا کند. شدت عناد جمهوری اسلامی با کمونیسم که به طور عمومی مستثنی بر صیانت از بیضه "اسلام" است، با هیچ نیاماری با عناد رژیم‌ها نتوانست قابل قیاس نیست. این عناد فقط با توجه به رشد زمینه‌های عینی نفوذ عقاید سوسیالیستی و ضرورت دفاع از حریم مقدس سرما به و مالکیت خصوصی قابل فهم است.

سران جمهوری اسلامی در هیچ فرصتی از دکترین نکتہ غفلت نمی‌کنند که هیچ عقیده و فکری مغایر با فکرایح رسمی سرآشتی ندارد و اگر به لحاظ معالجه تاکنیکی حاضر به تحمل بعضی جریبهای غیردینی موافق با حکومت اسلامی هستند، دیرپا زود به مناسبت سخا صمدی بولژویک (که از نظر آنها، امانت دارد) این جریان - با هر آنچه به صندوق عدم خوانند فرستاد.

= سبزیبا انقلاب در منطقه =
در اینجا باید نکته‌ای را متذکر شد: سبزیبا کمونیسم صرفاً "توجه نیروهای - درونی نیست. جمهوری اسلامی در عین حال در عین بین المللی کارکردی اساسی دارد و آن این که در مرزهای جنوبی شوروی، سنگرها و دفاع وحشی هجوم - ایدئولوژیک - سیاسی علیه شوروی برپا کند و جای بیابگه‌های نظامی شمالی رژیم سابق را پر کند. البته کوشش برای عصب - علاقه با ی اقتصادی - اجتماعی طبقات حاوی افکار اسلامی در میان مسلمانی شوروی را نیز تا دیده نمیتوان گرفت. اما این جنبه از هدف بیست و یک خیا لیا فانه است تا واقعی، در ضمن نباید از یاد برد که انقلاب اسلامی در سطح منطقه میبایست و پیرین در کنار و پیرین - افغانستان "ایجادکننده اشرا ت تحولات سیاسی افغانستان را تا حد مقدور از طریق تا کیدروی "اسلام" و سپس در صورت امکان از راه مداخله نظامی، خنثی سازد. جنبه اخیر هدفهای حکومت جمهوری - اسلامی، متضمن طرحی وسیعتر است و آن "ایجاد گریه سرتقدس برگردا کرده منطبق جنوبی کشوری که سوسیالیستی می باشد. تردیدی نیست که هیچیک از جنبه‌های کاذب حکومتی دینی (تظلم حکومت عربستان و یا حکومت پاکستان) برپا کردن سدها بشی در راه نفوذ سوسیالیسم است. شمسک به اشارات گنگ عدا لتخواهی در اسلام و طرح

"راه‌های سوم" راهی خیالی میان سوسیالیسم و سرما به داری، عموماً "عهده" دار این وظیفه بوده است که پتانسیل‌های انقلابی منطقه را خنثی سازد و یک - اپوزیسیون قلابی را در حد مقدور به جای اپوزیسیون بالقوه، انقلابی در منطقه مطرح سازد.

تلاشهای عینی که برای ایجاد "است واحد، اسلامی" و جهان وطنی اسلامی (II) صورت میگردد، در همین راستا سیر می‌کند. لیکن دقیقاً "به خاطر گنگ و مشکوک بودن مضمون خود او از طرف دیگر به خاطر شیعه‌گرا بودن جمهوری اسلامی - نکتته‌ای که در - جایی دیگر از لحاظ اهمیت داخلی مطرح خواهم کرد - مورد توجه ملل "مسلمان" منطقه واقع نشده است (در پاسخ به آخرین حرکت در این راه، یعنی دعوت به تشکیل "جبهه" ضد صهیونیستی - عدا میریالیستی اسلامی فقط "جنش از ادبخت بحرین" با خشت مثبت داد، آنها حتماً به چشم - داشت کمک!)

علاوه بر این انگیزه، "مدور انقلاب" به ملل تحت ستم منطقه وجهانگیر کردن اسلام طبعاً "بدون این که - نظیر آنچه در سطح داخلی گفتیم - موجب بیداری انقلابی مردم گردد، جویدگمانی و خصومت و جنگ در منطقه را دامن زده است و خود یکی از عوامل - البته عامل فرعی - جنگ میان عراق و ایران است که اساساً "به خاطر حراز سادت عراق بر منطقه - به جای سادت وژا داری می‌شاه بر منطقه - صورت می‌گیرد و رژیم ایران نیز این حق را برای خود - قائل است.

کوششهایی که این او خرابی را برقرار می‌سازد، سیاسی تا کشورها را دیگر، تا حدی نیروی از روابط "اسلامی" صورت می‌پذیرد، بیست از آن که مخدوش کند، استدلالات تحلیلی فوق باشد، بیانگر حرکات تاکنیکی و مصلحتی حکومت و ناشی از استیصال نظامی - سیاسی - اقتصادی است.

اینک پس از بررسی بعضی جنبه‌های مهم و اساسی اهداف جمهوری اسلامی، می‌گوئیم راهی از عواقب گوناگون آن را تحلیل کنیم:

مشروعیت سرما به داری: از حیث روابط تولیدی حاکم، نقش و عملکرد جمهوری اسلامی این بوده که با توجه به عدیت توده‌ها با سرما به داری که به سبب ضعف آگامی طبقاتی بیشتر به شکل عدیت با سرما به - داران جلوه کرده، برای حفظ و بازسازی نظام تولیدی حاکم بکوشد. دولتی کردن ("ملی کردن") سیاست بزرگ سرما به داری هر چند در عین حال تحت تاثیر قرار سرما به داران بزرگ صورت گرفت، مشروعیت روابط تولیدی سرما به داری را حفظ می‌کند. آنچه در آغاز اجرای این نقش را تسهیل کرد، توهم توده‌ها نسبت به اهداف و نیات حکومت و برآ بر شردن دولت با مردم بود. در هر حال از حدت تضاد میان توده‌های - مردمی با روابط تولیدی حاکم گاست.

در جریان اجرای این نقش، بورژوازی تجاری با کنترل نهاد سیاسی و - اقتصاد دولتی، خود به جای بورژوازی بوروکراتیک سابق نشست و بر مقدرات - تولید و توزیع حکومت یافت. به هر تقدیر نفوذ نام اسلام و حکومت اسلامی بود که توانست از طرق گوناگون، حرمت مالکیت خصوصی سرما به داران را برقرار نگاهدارد. البته در زمینه، مناسبات ارضی جمهوری اسلامی تا چا رشد علیرغم نیات باطنی و دیرین سران خود، بر تصرف با مصلاح "عدوای" دهقانان نسبت به دارایی بزرگ مالکان عملاً صعب‌بگذارد. هر چند که ضرورت رعایت احترام مالکیت

"مشروع" - دزهرزمینه - خدشهای نیافت است با زکشت خواهی: سررویهم علاوه بر ارزش و احترام خاصی که اقتضا دزد پیشه‌وران به - به پیروی از درک برخی سران حکومت و خاستگاه طبقاتی آنها، ست‌گه با خاکمیت این بورژوازی تجاری است که با خاکمیت بافتن سرما ترک بورژوازی بوروکراتیک و گسترش حوزه، نفوذ و وظایف اقتضای - دولت، بر اقتضا حکومت می‌کند.

تا سازگاری این دو جریان - بورژوازی بوروکراتیک و تجاری "با زکشت - عملاً" مانع از نو سازی و بازسازی سریع روابط تولیدی سرما به داری شده و به هر چه و سرچ و آشفتنی سرما به داری را می‌فرا بدمانخ از رفع عواقب بحرانی مستو که از سال ۱۳۵۵ گلوئی اقتصاد وابسته ایران را می‌فشرده است. از هر قدر این سردرگمی و آشفتگی، میتوان گفت که رشد نیروهای مولد به - با شین ترین درجات تضاد میان طبقه حاکم از لحاظ سیاسی و طبقه سلطه نظر اقتضای به‌اعلی ترین حدود رسیده است و این نیز از عواقب درک عقب مانده نیروهای حاکم و عجز ویژه آنهاست.

مسخ مفهوم جمهوری: به مرور با ام اکثین برآمده‌ها معلوم میشود که قدرت روز افزون و خودکامه رژیم حاکم و درک آن از اعمال حاکمیت، اطلاق لفظ جمهوری را سررویه حاکم - پیش از بیست بی معنی می‌کند. درک دینی از حکومت اراده الهی - در عین معنی اراده روحانیون - را ما فوق اراده مردم قرار می‌دهد و یک اتوکراسی تشوکرانیک (استبداد دینی) را به جای مفهوم جمهوری - خواه در معنای دموکراسی بورژوازی و خواه در معنای دموکراسی توده‌ای - می‌نشانند. توده‌ها می‌بینند که اراده واقعی - شان، تحت عنوان "دفاع از اسلام" واقعی عملاً تا دیده و با زیر پا گذاشته میشود. ولایت فقیه نهادی است که هم راه را بر حرکت آزادبختی از نیروهای سرما به می‌بندد و هم جلوی عرض وجود تیر و هوائی توده‌ای را می‌گیرد. روند حاکمیت ولایت فقیه اگرچه این او خردت یافته، اما از همان آغاز کار با ربه‌های آبت‌الله - خصنی و سیر به صورت نهادی شده در قانون اساسی، معلوم بود که این نیز وسیله و تمهیدی برای تا زگرفتن حقوقی بوده است که توده‌ها ضمن جنبش عظیم خود بدست آوردند.

از این رو هر چند رجوع به آرای عمومی در طر هر صورت می‌گیرد، اما در عمل با ایجاد موانع مختلف و کاستن روز افزون از حوزه انتخاب برای مردم، مفهوم جمهوری بی اعتبار می‌شود و این لازمه، درک دینی از حکومت و پیوند اشکار دین و سیاست است. حکومت شیعه به جای جمهوری اسلامی: در - عین حال این حکومت دینی به معنای - حکومت تمام فرق و مذاهب یک دین نیست - نیست - بگذریم از اینکه جنبش حکومتی با توجه به اختلاف فرق و مذاهب میسر نیست - بلکه یک مذهب خاص یعنی شیعه از میان ما بر مذهب که در اقلیت هستند، آنها از طریق "نما بندگان" خود در سلطه و منصف روحانیت، به اعمال اراده می‌پردازد و در عمل به جهت درک شیعه - که همچون هر درک مذهبی دیگر - خود را نسبت به سایر مذاهب دارای حقانیت و امانت می‌شمارد، جمهوری اسلامی به حکومت شیعه تبدیل شده است. علاوه بر درک اقتضای سیاسی، مفاهم - مناسک و رسوم ویژه شیعه می‌گوشد جای - تنوع در کها، مفاهم و مناسک و رسوم موجود را بگیرد. در کشوری کثیر المذهب و کثیر المذاهب، با وجود قوام و ملل و فرقی مختلف، این حکومت در واقع به معنای زهر با گذاشتن حقوق فرهنگی - سیاسی



★ زنده باد انقلاب پرو (بخش نهم) ★

جنبش جهانی

تاریخ - زهانیش



مداراتی سنتی چون مس، شکر و غذاهای دریایی بدست میآید خوداختصاصی - میداد. والیته این رقم در جمع با رقمی دیگر که آنها از طریق وام‌هایی که توسط دولت گرفته می‌شد و در اختیار این بخش از صنایع قرار می‌گرفت، رقمی کلان از کار در می‌آمد.

اما با کاهش صادرات محصول صنایع غذایی دریایی که بدست بال و رشک‌گسی در سال ۱۹۷۳ از سوی دولت ملی اعلام شده بود، کشور را زلزلت بکی از مولدهای آرزو خرابی محروم‌شد. کاهش بهای گلالا در مقیاس جهانی در فاصله سالهای -

۱۹۷۳-۵ نیز عاقلی مزید بر عامل پیشین در منعی ترک کردن هر چه بیشتر موازنه بر پرداخت‌های بی‌روشنه این توارزگه زمال ۱۹۷۲ سری منفی را آغاز کرده بود. روزبه روز واقع وخیم‌تری را گزارش می‌دادند. - کوهی از مسائل و مشکلات اقتصادی و سیاسی در تیرا بر حکومت تسلط شده بود. و وعده‌های پوپولیستی از سوی حکومت دیگر کارساز نبود. در سال ۱۹۷۴ کسری بودجه دولت و عدم موازنه تجارت خارجی، تا شیری عمیق بر سطح زندگی مردم گذاشت. تورم فزاینده تریخی معادل ۲۱٪ را اعلام می‌کرد. جنبش اعتراضی کارگری برای افزایش دستمزدها و تطبیق نرخ این افزایش با نرخ فزاینده تورم، هر آن گسترده‌تر و عمیق‌تر می‌شد و البته با خ دولت و لوگو در برابر این جنبش همان بود که بود یعنی سرکوبی - وقعه تورش‌های کارگری اینجا و آنجا چشم می‌خورد. تورش‌هایی که نه تنها حکومت را به مصاف می‌طلبید، بلکه رهبری سنتی اتحادیه‌های کارگری را نیز به زیر سؤال کشید. نقل این حرکت‌ها در "فداسون" کارگران صنایع فلزی "عمق" کسندراسون عمومی کارگران - سرو (CGTP) بود.

هنوز چندی از بحران مردم‌فراینده‌ای که از سال ۱۹۷۳ آغاز شد، گذشته بود که در میان تالانی‌ها سرچراغ سندی‌ها شکل گرفت. خوشبختی نظامی رفته‌رفته انجام می‌شد و از دست میداد. و گویا این "ولسکو" بود که با پدیده تا به کجاستان برنام‌ها املاط، نهایتاً "خف" شود. چرا که بحران در نخستین نگاه، نتیجه ملامت املاط است. مثلاً به شرح سیاسی مناسبات در به چنین بحران اقتصادی است، نیروهای مسلح و بویژه ارتش را به گروه تقسیم کرد. گروه نخست که بویژه از حمایت ما حیان مناسبات و بنگاه‌های نماینده شرکت‌های چندملیتی برخوردار بود، به‌شدنی سوی نخست‌وزیر خونتای نظامی، یعنی ژنرال فرانسکو - مورا لیزرمودز، گردید. به‌بیا و رایسان املاط تا انجام شده دیگر بقدر کافی از چهار چوب از پیش اعلام شده فزاتر فرسته بود، دولت میبایست ختم برنام‌ها املاط را پیش از آنکه خوات توده‌های مردم هر لحظه گسترده و گسترده‌تر شود، - اعلام کند. اینان قریباً در میا واردند که هر چه اصلاح کرد بدست است، دیگر کسی است و گرنه دیگر کنترل همه مورا زدست می‌رود. گروه دوم را حمایت بخشی از بورژوازی پرو بهر مند می‌کرد که املاط را تا آن - انداز که آنها فکته بود، ضرور و کار فنی میدانست و پیشین‌دش برای خروج از - بحران جاری، تسکین به‌تعاون گراشی بود در عین حال محدود کرد در هر چه بیشتر جنبش کارگری که با ورا بیان گویا - شایطین سرخ در میا نشان زنده کرده بودند برای اینان "ژنرال" و "ویرتا" تلسن

در بخش گذشته عملکردهای خونتای بنا پذیرشیت "ولسکو" و اردو را در بریط با جنبش کارگری - دهفتی دیدیم. - دیدیم که چگونه پوئانی که به باور "جنبش کمونیست (زفرمیت) پرو" قرار بودند از طریق رشدی غیر سرمایه‌داری پروراسته آستانه سویا لیسویا از آن فزاتر خود بیست سویا لیسویا کنند، چگونه خنج - صنعت طبقاتی بورژوازی را بر کلوگه کارگران و زحمتکشان گذاشتند و چگونه هر حرکت کوچک اعتراضی را از سوی اینان بخون نشان دادند. دیدیم که چگونه هنگامی که رهبران فاسد فرمیت بیزیریکه‌های ژنرال‌های خونتاکل می‌دیدند و در - خیابان‌های لیما برایشان هورا می‌کشیدند گلدویزه خونتاست درخونجا لده‌ها - معدنچی قصابی شده معدن سرودویا سکیو غوسن کرده بود. سرورروسان راه‌رشد غیر سرمایه‌داری بیکار و دیگر سزاتسنگلاخ نا کجا آیدای دیگر در آوردند و با سرکونی - تان بدسال بحران فراگیرا فتما دی - سیاسی مانده هفتاد بیکار و دیگر طرط - رسوایی سویال فرمیت‌های جنایت - کار، برینلندای تاریخ جنبش جهانی - کارگری به‌صدا درآمد. در این بخش از - نوشته‌ها اشاره‌ای به روزهای آخر حیات رژیم (ولسکو) و اردو، بررسی این دوره - هشت ساله را به پایان می‌بریم.

برنامه‌های اصلاحی که نظامیان اعلام کرده بودند محتاج پول بود و این پول هم محل تا میان دولت بود و بین از این رو فزنده‌های خارجی ربه افزایش گذاشت. فن المثل منابع نفت بزرگ با کسری بودجه عظیمی دست‌گیر می‌شد. فادریه این امر نتواند که خوه ربه کشیدن لوله‌های جدید فنی را بپردازد. دولت "ولسکو" - قول نیروی فنی که قرار بود در آنسده از منطقه آمازون استخراج شود، فرمه کلانی را از این بنا تقاضا کرد. رندسرتان وار - سورگراسی و به شرح امراض فراسنده تعداد کارگران دولتی خود ربه کسرتده ای برای امراض رهم بود و جاری کشور شده بود. وام و بستان بود که به خزانه دولت سرا زور می‌شد. بانگهای بیکار و در در این آنها "سیتی بانک"، "بانک آمریکسا" و "هیس ما هسان بانک" عملاً نقش دلال را در این میان نه‌برودن داشتند. میسران بدهی پرورفته رفته تا جاکشید که تا سال ۱۹۷۸ به رقمی معادل ۸ میلیار دللار - بالغ گردید.

قراری بر این بود که با زیردخت‌ها که از سوی بانکهای بیگانه چنین گشاده دست در اختیار رژیم‌ها ملامت "انقلابی" و "ولسکو" قرار می‌گرفت، اما زمل ما درات آتی پرو - تا من شود، اما هر چه که زمان می‌گذشت از ما درات گسترده خبری نبود. در نخستین گامها، تاکید بر منعی کردن عمل - بگونه‌ای موفقیت‌بار، به‌پهنه عمل نیز در می‌آمد. مثلاً محصول ناخالص داخلی در فاصله سالهای ۱۹۶۹-۷۳ ۵/۵ درصد افزایش پیدا کرد. در این فاصله ما حیان صنعت قادر شد تا ظرفیت موجود و ادهای تولیدی به‌شکلی بی‌مان مورد بهره‌برداری قرار دهند. رشد تولید محصولات صنعتی - تریخی برابری ۷/۱ درصد در سال داشت. "تنگا" و "رسی" که هفتان میداد، اما برنام منعی کردنی را که رژیم "ولسکو" برای پروریش نهاد بود خود به‌سرا زوا بود و پروروا به‌آستانه بحران‌ها ویرا نگر - ممکن شد. بخش بهره‌زنده صنعت در دم چشم - گیری از ارزو خرابی را که از فروش محصولات

و جمافداران که سربرجرم "جنبش انقلابی" کار کرده، (۱۹۷۱) کرده‌اند بودند شخصیتی ایده‌آل بود. جمافداران ژنرال "تلسن" را و بارها و بارها وظیفه‌نور و تهدید کارگران بیشتر و هر چه دست و پا شکسته ولی بهرروانجام داده بودند اما برای حایان ژنرال "خا ویرتا تلسن" "جنبش انقلابی" کارگری (MFA) بیامکانات موجودش تا توان به حساب می‌آمد. و گستراندن دامنه عمل این تا زمان نیاز به سرمایه‌گذاری کلان داشت، که خود برای این بخش از بورژوازی مسئله بود. با لایحه سومین گروه را در جناح سندی درون خونتای نظامی، افسران بیشتر ملی‌گرای ارتش تشکیل میدادند. اینان اطلاعات انجام شده را کافی نمیدادند و گسترش بیشتر آن را میخواستند. تمام ممدان گروه - ژنرال "لئونیل رودریگز فیکورلا"، رهبر سویال دمکرات تا زمان شه‌نظامی ملی برای بسج عمومی (SIEMOS) هنگامی که ژنرال "لئونیل رودریگز" به رهبری واحدویزه‌تصوب شد، این امیدها رو برنشد. "جزایر کمونیست پرو" سیری فده‌تروط و گشاده دست را این جناح حمایت می‌کرد. برآکه گویا "لئونیل همان رهبر موعود بود که بقاری ما شد در واره‌های سویال لیسویا. خونتای نظامی با جناح بی‌ای این جنبش عملاً انجام خود را از دست داده و رفته رفته بحال فلاح می‌افتاد. و در حقیقت همین شرایط حا کتر خونتای بود که رهبران "حزب توده‌های انقلابی آمریکسا" (آپرا) را به فکرتوظئه برای کس قدرت انداخت. "آپرا" که سنتا "در میان کار دملی و نیرو - های پلیس ملی با یگا هداشت، از رهمن دویا یگا میزبانی کس قدرت خیز برداشت. در سوم فوریه ۱۹۷۵ تقریباً "بذون - کوچکترین مقدمه‌ای از پیشین نیروهای پلیس به یگا را از گوشه و کنا رخیا نه‌ای با سخت‌نا بدیدند. و روز بعد از آن - پلیس را همتا شئ نیز در سرچرا راها حاضر نمود. اما گویا به روزتا مه‌ها فکته شده بود که زبان درک ما باشد. نیروهای پلیس پروروا اعتاب بودند.

دست‌بیت از طلوع آفتاب در با نداد روزبه فوریه، تا نکهای واحده ویژه لیما به مقرا ملی پلیس با سخت‌گردان ۲۰۰۰ تن از ۷۰۰۰ تن پلیستی اعتباری بر می‌برند. حمله کردند. کشته و متجروح تعدادی مشخص نبود، اما یک چیز را میشد دیدن آن اینکه روزتا مه‌ها همچنان مهرسکوت بر لب داشتند. گویا هیچ چیز اتفاقی نیافتاده بود. سازش در با لگا را خود را کرده بود. و این سازش زمانی که خونتای زنیروهای ارتش - و ادهویزه - لیما - خواست که به‌با دقا نیز برگردند - بیشتر مشخص شد. شهری دقا لیما بهینه - بهینه در صبح ۸

در توزیع هر چه وسیعتر آثار سازمانی بکشیم!

رفقا! ما با رفا برای اهمیت تکثیر و توزیع وسیع آثار سازمانی بخصوص در شرایط کنونی پای فشرده ام، بکشیم بخصوص در - شرایط کنونی چرا که اینک رژیم خونخوار جمهوری اسلامی شما می آزادیهای سیاسی را بزرگچکمه های سیا خود پیا پمال کرده است. چرا که اینک نه تنها تمامی نشریات، مطبوعات، رادیو تلویزیون، ... به بند کشیده شده است، نه تنها هرگونه نگاه مرآت، مکتب، کتابخانه و نشراتی بدون کشیده میشود، بلکه حتی بحث های اعتباری خودها نیز جزای چون زندان و اعدام یافته است. در این شرایط است که ما باید نجاتی را از این آنگاه بران است بکشیم و وسیعتر - بنده ها میتوانند در صورت انقلاب و در زندان نقش بسزایی ایفا کنند.

اینک خودها شته آنگاه ای اند، اینک خودها، که تمامی اعتمادشان را از رادیو تلویزیون و مطبوعات مزدور برداشته اند، در پی کسب اخبار جنبش و در پی اطلاع از وقایع و رویدادها به سرور می آورند و آنگاه که ما نقش خود را بدرستی ایفا نکنیم تنها ملجا خود را بی بی سی و واهو و پستیاریا بند، از این صورت که با بدخلق را سیراب کرد، با بدشهره شهر گاهان به کارخانه، گوجه بگوجه و خانه به خانه پذیر آنگاه ای افتادند، با بدشهرها و روستاها را از اعلامیه بپوشاند، با بدشهرها را در جریان تحولات و وقایع قرار داد، - تجربیات مبارزاتی را منتقل نمود، - اخبار را پخش کرد، تحلیلها را بدست کارگران و زحمتکشان رسانید و از این طریق آنان را حول پرچم سرخ و خونین سازمان گرد آورد و انقلاب را به پیش برد.

رفقا! ما با رفا برای اهمیت تکثیر و توزیع وسیع آثار سازمانی بخصوص در شرایط کنونی پای فشرده ام، بکشیم بخصوص در - شرایط کنونی چرا که اینک رژیم خونخوار جمهوری اسلامی شما می آزادیهای سیاسی را بزرگچکمه های سیا خود پیا پمال کرده است. چرا که اینک نه تنها تمامی نشریات، مطبوعات، رادیو تلویزیون، ... به بند کشیده شده است، نه تنها هرگونه نگاه مرآت، مکتب، کتابخانه و نشراتی بدون کشیده میشود، بلکه حتی بحث های اعتباری خودها نیز جزای چون زندان و اعدام یافته است. در این شرایط است که ما باید نجاتی را از این آنگاه بران است بکشیم و وسیعتر - بنده ها میتوانند در صورت انقلاب و در زندان نقش بسزایی ایفا کنند.

اینک خودها شته آنگاه ای اند، اینک خودها، که تمامی اعتمادشان را از رادیو تلویزیون و مطبوعات مزدور برداشته اند، در پی کسب اخبار جنبش و در پی اطلاع از وقایع و رویدادها به سرور می آورند و آنگاه که ما نقش خود را بدرستی ایفا نکنیم تنها ملجا خود را بی بی سی و واهو و پستیاریا بند، از این صورت که با بدخلق را سیراب کرد، با بدشهره شهر گاهان به کارخانه، گوجه بگوجه و خانه به خانه پذیر آنگاه ای افتادند، با بدشهرها و روستاها را از اعلامیه بپوشاند، با بدشهرها را در جریان تحولات و وقایع قرار داد، - تجربیات مبارزاتی را منتقل نمود، - اخبار را پخش کرد، تحلیلها را بدست کارگران و زحمتکشان رسانید و از این طریق آنان را حول پرچم سرخ و خونین سازمان گرد آورد و انقلاب را به پیش برد.

هر چند خنثی و سرکوب پیدا میکنند، هر چند شب سپاه دیکتاتور بی مهربمان با به افکنده است، هر چند نهرهای خون از پا رگه خمینی و جلادانش جاری است، هر چند سزای نوشتن هر شما مرگ است، سزای پخش هر اعلامیه اعدام است و سزای توزیع هر نشریه را با گلوله های آمریکائی میدهند، اما ما امرگ قویترینیم، ما از غم بیرونیان نرسیم، و این را در تاریخ نشان داده ایم، آنگاه که در جبهه های جنگ فاشیستی اعلامیه ما را بدست سبازان نهرها ندیم، آنگاه که در زبیر چکمه های هیتلر و موسولینی دیوارها را از شمار می نیا کشیم، آنگاه که در سگوت مرگبار دیکتاتور فرانسوی را بدست میزدیم، مرگ بردیکتاتور، آنگاه که در شب تاریک شبلی در مقابل جلاد، هینوئه شعله های مسلسل خود را به نمایش نهادیم، آنگاه که دهکده های استراتژیک آمریکا در ویتنام را با آتش غش خلق سوختیم و آنگاه که سوختن را برنگون کردیم، - نشان داده ایم که امرگ قویترینیم، ما فرزندان تا به پیشموتاریخ بدبختی میروند، ما قادریم بکشیم، با هر گوجه از هر خانه، از هر مدرسه، مزرعه و گاهانه، بکشیم و شیره را بکشیم، ما قادریم نهاد خود را در هر گاه، آری در هر گاه، بکشیم خلق بزرگایم هر چند فرشیای مسلسل دژخیمان لحظه ای، با موشی نشود، اما ما فریادهای ما را ترازو چه ای اهدا می آری، - با تدبیر قدرت را به نمایش نهاد، ما با رفا در نشریه کار در مورد توزیع آثار سازمانی رهنمودهای لازم را داده ایم.

رفقا! ما با رفا برای اهمیت تکثیر و توزیع وسیع آثار سازمانی بخصوص در شرایط کنونی پای فشرده ام، بکشیم بخصوص در - شرایط کنونی چرا که اینک رژیم خونخوار جمهوری اسلامی شما می آزادیهای سیاسی را بزرگچکمه های سیا خود پیا پمال کرده است. چرا که اینک نه تنها تمامی نشریات، مطبوعات، رادیو تلویزیون، ... به بند کشیده شده است، نه تنها هرگونه نگاه مرآت، مکتب، کتابخانه و نشراتی بدون کشیده میشود، بلکه حتی بحث های اعتباری خودها نیز جزای چون زندان و اعدام یافته است. در این شرایط است که ما باید نجاتی را از این آنگاه بران است بکشیم و وسیعتر - بنده ها میتوانند در صورت انقلاب و در زندان نقش بسزایی ایفا کنند.

اینک خودها شته آنگاه ای اند، اینک خودها، که تمامی اعتمادشان را از رادیو تلویزیون و مطبوعات مزدور برداشته اند، در پی کسب اخبار جنبش و در پی اطلاع از وقایع و رویدادها به سرور می آورند و آنگاه که ما نقش خود را بدرستی ایفا نکنیم تنها ملجا خود را بی بی سی و واهو و پستیاریا بند، از این صورت که با بدخلق را سیراب کرد، با بدشهره شهر گاهان به کارخانه، گوجه بگوجه و خانه به خانه پذیر آنگاه ای افتادند، با بدشهرها و روستاها را از اعلامیه بپوشاند، با بدشهرها را در جریان تحولات و وقایع قرار داد، - تجربیات مبارزاتی را منتقل نمود، - اخبار را پخش کرد، تحلیلها را بدست کارگران و زحمتکشان رسانید و از این طریق آنان را حول پرچم سرخ و خونین سازمان گرد آورد و انقلاب را به پیش برد.

شرایط کنونی این عمل تنها با پدیس از تحویل مدارس صورت گیرد زیرا بخش در صبح بعلت تفتیش بدنی دانش آموزان تا شیری نخواستند (و...) است.

بکسی دیگر از شیوه های تبلیغی که از سوی رفا بکار گرفته شده و با ضرورت انجام آنها به شما می رفا و هوا داران که در مکتبم استفاده از تلفن جهت انجام تبلیغ شما می است، میتوان در ساعاتی از روز که تلفن های عمومی خلوت است، و این ساعاتی است که عموماً مردم در خانه ها بیرون میروند، با گرفتن شماره تلفن و مذاکره به تبلیغ مواضع سازمان و افشای عملیات پنهانی، در این مورد نکات متعددی را باید مد نظر داشت. اولاً میتوان با داشتن شماره های اول تلفن محاسبات مطالعه های مورد نظر خود را برای تبلیغ انتخاب کرد، بتوان با بدست آوردن شماره تلفن مکتبها، همکاران، و هممطلبیهای خود، و با کمک رفیق دیگر که مدتی شناخته شده نیست، این شماره را در مورد آنان بکار گرفت، در همین حال میتوان در ابتدای شب خود را برای انتقال اخبار جنبش بکار گرفت و بدین طریق وسایع را در دسترس خود قرار داد، در این روش باید مواضع سازمانی را بدین شکل توزیع کرد، در ساعاتی که خلوت است، حتی بکنفرانس انجام گردد، در ساعاتی که خلوت است، در ساعات خلوت جنوب شهر محلات زحمتکش تهران و کارگزاران را ریم میتوان نوشتجات را در داخل تلفنهای عمومی پستاد و با تعداد ۳۰ الی ۵ عدد بصورت پستاده (مجازاً هم) در آنجا نهاد و پس از تنظیم ای مختصر سراسر آن مکان دیگر رفت، در این رابطه زمانهایی که تلفنهای خلوت است مثلاً صبحها مناسب تر میباشد.

رفقای ما در مواردی در داخل سینماها اقدام به پخش اعلامیه کرده اند، این عمل میتواند در موقع خروج شما تا گران آنگاه که در مقابل در خروجی از حاکم میباشد - انجام گیرد، بدینصورت که دسته اعلامیه بزمن انداخته شود و با حرکت با سرعت در کف زمین پخش گردد، و با در همین هنگام در روی صندلیها چیده شود تا تا گران بدی اعلامیه ها را بردارد.

رفقای ما در مواردی، با زبیرکی تمام اعلامیه ها را در میان روزنامه های روزنامه فروشان نهادند، این مورد را میتوان به شکلی دیگر تنظیم داد، رفا میتوانست تعدادی، مثلاً ۱۰ عدد از روزنامه بفرستد و پس از نهادن اعلامیه در وسط آنها، روزنامه ها را به تعداد ۱۰ عدد در سر هر چه را با شلوغ بفرستد و از محیط خارج شوند.

در مواردی دیگر رفا در خاکس، در صندلی عقب، اعلامیه نهادند، خود را تویس کاغذ های سپیدار چسبانده اند.

برخی از رفا از پست شهری جهت ارسال اعلامیه و نشریات سازمانی استفاده میکنند، این عمل هر چند میتواند مشکل سازماندهی پست سرخ (که ما آنرا در مقابل آنگاه - سازمانی توضیح داده ایم) صورت گیرد اما در صورت نداشتن آدرسهای مشخص نمیتوان محلات زحمتکش نشین را شناختی کرد و به آدرسهای متعددی از اعلامیه و نشریه پست نمود.

از دیگر شیوه های انجام عمل پخش در - فرسنگهای بزرگ و شلوغ است (این عمل عمدتاً در تهران و شهرهای بزرگ قابل استفاده است)

شما می این روشها به شیوه های معمول توزیع یعنی پخش در منازل، چسبانیدن در کچه ها، پخش در گاهانه، توزیع جلویی مدارس یا موشور (و ما برای این شیوه ها که در ریم ما با رفا به رفا توضیح داده ایم، در

انقلاب به پیش میروند و هر روز پیش از پخش بروفا بکسب ما می افزاید، - با شکستی به چنین وظایفی تنها با - بکارگیری شما می توان به پست و از این روشها که با در نظر گرفتن

زنده باد

تاخت و تاز زلوسین ها و چاقو داران - آیرانی شده بود، نیروهای شبه نظامی آنها حتی برخی ارا غنای های دولتی را نیز اشغال کردند، که البته این اشغالها دیرپا نبود، چرا که ارتش به پیگزار نیروهای خود را به شما به تاجان آمانی به شما با آنها آورد، نظم برقرار شد، حوادثی چند در طول چند روز به دنبال آمد، مهمترین زمینه را برای طفیبه شما به توطئه گرایی، برای کسب قدرت فراهم آورد، غوغای نظامی شما به گرفت زنیال و لنگسوال وارد و پیر و بیما را از رهبری بزرگیکند و بیما زنیال فرانسوی کمورالیه مورورا، را - جانشین کرد، اما در همین حال بیشترین تلاش نیز بکار گرفته شد که این فعل و انفعالات بی درد سوزنی سرودا صورت بگیرد و سرخ از دست در نیوز، پیر رو کا بینه مورالیه مورورا همان کا بینه قبلی باقی ماند، حداقل فرار شد تا مدتی همان باقی بماند.

بزیبار افتاد و لنگسوال از سر قدرت معنا شد، نداشتن جزای پانده ای بر حیات خونناي هشت ساله بیباک و خشمناک هنگامی که راهبولیا میرا فظان و لنگسوال وارد و را اعلام کرد، جنبه خصمانه محدود از مردم لیبیا که عمدتاً با حضور این تشکیل میشوند در بهرامون کاغ و ریاست طبقات و افتاری که از املاط و لنگسوال بیشتر وین برادر آوردند، خبری نبود، این خودگرا آن بود که برای تارسیخ مبارزه طبقاتی ما سرپرو، آرایش رژیم بنا با رژیم پستاده است.



گزارشهای روستائی

گزارشی از جریان تشکیل شوراهای روستائی در روستای غمبیران (کناره سرداب انزلی)

در روز ۲۵/۸/۶۰ سه پسر با ساران وارد محل گردیدند و از اهالی محل با بلندگوخواست برای تشکیل شورا به مسجد می‌رفتند. وقتی اهالی در مسجد جمع شدند پسران شروع کردند به صحبت با گفتن خوبی برای مردم سخنرانی می‌کنند: «قبل از همه اعلام می‌کنم که من تبه عنوان یک محلی بلکه به عنوان یک سبنا می برای تشکیل شورا به اینجا آمده‌ام و دوست ندارم تا ظر هستم ما هیچ هدفی جز الله و سلامنداریم و باور کنیدا اگر کسی عدای ما خواسته بخواند جلسه را به هم بزنند تمویل سبنا می می‌دهیم و ما را زورگاری در میان مردم و سپس شروع به خواندن آیه کرد. پسران در همین شیوه تا مدتی با زهم مردم را تهدید کردند و از آنها خواست که فرادشورا باشد مو من به اسلام با خند «طبق گفته امام بخوایم پیدا انقلاب را برپه کن کنیم» در این هنگام یکی از اعضای انجمن اسلامی امامی پنج نفر را به عنوان «شورای سلامی و دوستداران به عنوان علی لبدل به پسران می‌دهد. از گوشه و کنار مسجد صراحت اعتراض بلند میشود، یک روستائی شجاعانه از

فیکبریم» وی گفت حتی پس از اینکه دولت نرخ خرید را یک تومان هم افزایش دادند روستائیان حاضر به فروش نیستند. تنها آنهایی که احتیاج شدید به پول دارند مثلاً پدیده‌های زیاده‌داری می‌فروشند. این واقعه‌ای است که خود عوام روزی بدان معترف اند در این رابطه کشاورزی می‌گفت: «برنج را به دریا می‌ریزم ما به دولت نمی‌فروشیم. کشاورزی می‌گفت: «کشاورزان وقتی می‌روند به انزلی، تنها برنجهای خود را تحویل به هند با تک کشاورزی به هند می‌فروشند که برای مثال سال ۵۲ و ۵۳ را از پول برنج کسری می‌کنند. در مواردی روستائیان روزی برنج را با پسران که چارها می‌خواستند برنج را به قیمت تعیین شده دولت از آنها بخرند و از طرفی حاضر نبودند تسلیم نهادهای پسران شوند اقدام به آتش زدن محصول خود کرده‌اند (دو نمونه گزارش شده است) پسران این روستائیان را به بنام نا برده بیت المال دستگیری می‌کنند و اکنون زندانی هستند. به علت همین برخورد رژیم برخی از روستائیان می‌گویند که ما از آینده برنج نخواهیم داشت. در این رابطه خبری نیز هست که دولت بسیاری از برنجهای مرغوب تا بلندی و آمریکا می‌راند که در آنجا رها بوده بیرون کشیده تا به عنوان برنج داخلی خرید شده از روستائیان به بازار عرضه کند.

اجلاس
در ماه محرم سال بورخلاف سنت سال - های گذشته اهالی روستای «خرشم» تا به مسجد رفتند. بطوریکه از ۲۶۰ نفر حاضر فقط ۵۰ نفر به مسجد رسیدند. فرستادند که این عده نیز با به رژیم هنوز توهم دارند و با اینکه مزدورند، یکی از روستائیان علت این تا ماندن را وجود انجمن اسلامی دستگیری می‌کنند. هفته پیش یکی از کشته‌شدگان جنبه را در امش تبلیغ می‌کنند، وی اهل قریه چما قستان بود. اما نکته جالب اینست که اهالی این قریه بطور وسیع این مراسم را تحریم می‌کنند.

جای خوب بلند میشود و می‌گوید، اگر ما آمده ایم تا بنده واقعی خود را انتخاب کنیم، جا ز به بیدگی رای بدیم، اگر قرار است شما انتخاب کنید بهتر بود که ما نمی‌مدیم، یک نفر دیگر فریاد می‌زند: مگر زنها و دخترها آدم نیستند که شما شرکت کنند. پسران روزی می‌گویند ما شین استهلاک دارد، هر طور شده امروز با پسران شورا تعیین شود، ما دیگر نمی‌توانیم برگردیم. اعتراض مردم دا مه پیدا میکند ولی با اعتراض رای گیری شروع میشود. ولی پس از شمش آراء فقط دو نفر از اعضای انجمن اسلامی یکی اصلی و یکی علی لبدل رای می‌آورند و بقیه از خود مرد می‌روند. پسران می‌گویند ما بدوی - این کسانی که غیر از انجمن هستند تعقیب خود می‌روند، مورد قبول نخواهند بود که مکتبی بودند نشان شخصی باشد. روز بعد پسران بر میگردد و ۳ نفر را که بیشتر رای را آورده بودند و از انجمن را بودند برکتا روز ۳ نفر از انجمنی ها را جای آنها انتخاب می‌کنند. این حرکت باعث تخفروا نزاع مردم از رژیم گردید. در هنگام ترک جلسه ما می‌گفتند: اینجا زور شاهانه خود را به ما نشان دادند، یکی گفت آمریکا هیچ عطی نمی‌تواند بکند، ما می‌توانیم دیگران خندیدند و از ما می‌گفتند این شعار عوض شده: مردم هیچ عطی نمی‌توانند بکنند، ما می‌توانیم. در روستاهای دیگر که رژیم همین شیوه را در پیش گرفته بود، افشاگریهای فراوان تا زمان صحبت آنان پیرامون یک انتخابات واقعی و محسوس تا شیرات خود را برجای گذاشت.

مسئول دولت برای خرید برنج در یک جلسه عمومی مطرح ساخت که دولت از وقتی طرح خرید برنج را پدید آورده است کشاورزان از فروش برنج خود را می‌کنند و دولت با سرما به دران (تجارت برنج) طرف مقابل می‌باشد و سرما به دران هم برنجهای درجه یک دور را به برنجهای آمریکا می‌کند که قبلاً خرید می‌بودند و بطور کرده به دولت می‌فروشند و ما هم تحویل

نکنند که انتقاد دیگری از برنده تریستن نلاحهای ماست. تراکتی را که میخواهند واژحتوا و با شکل آن انتقاد دارند. شعاری می‌نویسند و درهای نشربه می‌بندند و آنرا منطبق با شرایط جامعه و ذهنیات توده‌ها نمی‌بندند. علامه‌ها در بیشتر می‌شود، مسائل مهمی را می‌بندند که زمان در رابطه با آن فعالیت نمی‌کنند. تا مل نکنند، قلم و کاغذ بردارید و انتقاد دو لایه خود را بنویسید و برای ما ارسال دارید. یک کلمه غفلت از شما فدایان خلق، ناخوشی است. رفقا! حتماً و «حتماً» نشریه‌ها را به نقد بکشید. و این را جز وظایف خود شما نیست. انتقادات خود در تمام موارد را به همراه گزارشات خود، برای ما ارسال دارید. و از این راه این بخش از زمان و ادراک به بیشتر وظایف انقلابی باری می‌نماید. ما نیز خود را موظف میدانیم تا با شما بتوانیم در برخوردی خلاق با نظرات و ایده‌ها، به پیشنهادات و انتقادات رفقا کوشش کنیم. این کار و علاقه خود را به تمام ما را بگیریم، با عطف به ما مؤرم و جنبش خلق را ارتقا دهیم. باید شعاری و مطالبی را با بزرگداشت جوانان بدست ساعت

میراند. شعاری که مناسب انتخاب کرد چون مستندی سرکش می‌تواند و عرصه‌های گوناگون با معیار درمی‌نوردند و به تیرستان شده‌ها می‌روند و در قلب آنان جای می‌گیرد دهان بدان می‌گردد، به حرکت در می‌آید و تسبیح می‌کنند و از بنزوست که بخش تبلیغی کشاورزان را می‌خواهد: ۱- ایده‌ها و ابتکارات تبلیغی خود را به ما انتقال دهید، هرگاه شعاری در رابطه با مسائل توده‌ها و با موقع سا زمان بنظرنا می‌رسد، هرگاه ایده مناسبی جهت تراکت و یا اعلامیه دارید، هرگاه... با شما می‌توانیم برای ما بنویسید ابتکارات و خلاقیت‌های خود را در امر تبلیغات به ما منتقل کنید، روشها شیوه‌ها را که توده‌ها در مبارزات خود بکار می‌گیرند گزارش دهید، هرگاه شیوه‌های مناسبی جهت تبلیغ توده‌ای را در تجارب خود یافته‌اید، برای ما بنویسید تا به شما می‌رفقا، به تمام جنبش انتقال یابند. شما می‌توانید با ابتکارات و ابتکارات خود را در انتقادات گزارشات توده‌ای و بسیار بصورت جداگانه (که مسلماً در این شکل مناسب است) برای ما بنویسید. ۲- شما با به چهره‌های خود را بنویسید، بنویسید و با پیگیری و کوشش و سرخستگی یک انقلابی آفرید تا ابد کنید. فراموش

بازار آیدها و پیشنهادات خود بخش تبلیغی نشریه کار را برای رسانید!

آنچه ما با پدیدانجام بدیم عبارت است از دان زدن کامل به ابتکارات، فعالیتها نقشه‌ها، پروپوزها، آنگاه ما نما بندگان لایق یک طبقه انقلابی هستیم، تکنگاه پرولتاریا انقلاب را می‌تواند کوه قهرمانان شروع کرده‌ها مل خواهد نمود.

رفقا! لحظاتی است که دور انمازند، کشا کش ما بین دو صفا انقلاب و قدا انقلاب به لحظاتی قلمی خود نزدیک میشود، چشم‌انداز قلمی می‌دیگر پیش روی ما است و درجهت تحقق پیروزی آن وظایفی بین سنگین برکتش ما قرار گرفته‌اند، پیش از پیش پایداری توده‌ها در این سخت، شما ره‌های انقلاب را به پسران آنان برده، از آنان فرا گرفت به آنان آموخت و خلق را از زمان داد در این رابطه هر شعری را به دست ما، هر تراکت تیری است در غیاب ما و هر اعلامیه‌هایی است که عدای ما را به توده‌ها

زمین از آن کسانی است که روی آن کار می‌کنند

اخبار مدارس

تهران

دبیرستان دکتر هوشیار (بهشتی) تهران - ۶۰/۸/۲۵: ساعت ۹/۲۰ دقیقه در قاعة رنگ تفریح تعدادی اعلامیه را از پنجره کلاس به پایین ریختند، در آن قسمت که اعلامیه ها را ریخته بودند جنب و جوش بین بچه ها بوجود آمد. ساعت همدستولین مدرسه به کلاسها رفته و با تهدید و ارباب در جستجوی بخش کنندگان اعلامیه ها بودند و به دانش آموزان هشدار میدادند که تحت نفوذ این عناصر مقرران نگیرند، ولی دانش آموزان با استقبال از این مسئله با دیکرند و از اینکس اعلامیه ها زمان را می میدهند و بعد مینامد و اولیا را مدرسه را به تصرف می گرفتند. تا ظم مدرسه بسیار رعبی بود زیرا بعد از آنهمه تفتیش و تهدیدها از اعلامیه بخش شده بود آنها نتوانسته بودند جلوی آنها بگیرند.

مدرسه بهار آزادی (شهرام باقی) - ۶۰/۸/۲۶: مد نیز مدرسه خانه دولت آبادی است، سابقه این خانه در خوش خدمتی روزیم منفور به لوی بر کسی پوشیده نیست و حالا و همین خوش خدمتی ها را به رژیم کنونی می نماید. به عنوان مثال مقرراتی به این شکل وضع نموده که اگر شاگردی از کلاس خواست بیرون بیاید میسر با بد فتنه مدرسه تا موشخات و مدت غیبت او را از کلاس و زمان غیبت او را اطلاع دهند و آخرین نفری که از کلاس خارج میشود، خود میسر کلاس باشد. با وجود این سختگیری ها یکی از رفقا موفق میشود ۱۴ اعلامیه را به دیوار مدرسه بچسباند. این حرکت شور و شوقی در گردان بوجود می آورد و در کلاسها همیشه افتاده و همه به یکدیگر میگفتند بروید و اعلامیه را بخوانید. یکی از دانش آموزان میگفت: کسی بخواد دگاری بکند میگند و طوبی و نامی توانند بگیرند اینها (اولیا مدرسه) خودشان را مسخره کرده اند که مسخها همه را میگردند و عده ای دیگر از مضمون اعلامیه برای یکدیگر صحبت میگردند بعد از ۹ دقیقه اعلامیه ها را با ره می کنند و در سطل آشغال می اندازند ولی دانش آموز دیگری تک با ره را در دستش روی سطل آشغال میچسباند طوری که بهتر خوانده میشود.

فردای آنروز تفتیش بدنی با دقت بیشتر انجام میشد حتی لای دسترها را دیده و برخی نوشته ها را هم میخواندند. خانه دولت آبادی اولتیماتوم داد که من دیگر سرم نمی شوم من از اخراج کردن خوش نمی آید ولی مجبورم چون به درس دیگران لطمه میزند!؟ (بخوان به موقعیت خانم دولت آبادی لطمه میزند)

تهران

اخبار دبیرستان منوچهری اهواز بین دانش آموزان مبارز و انقلابی حزب اللهیها درگیری شدید گرفت که انقلابیون توانستند حزب اللهیها را به عقب نشینی وادار نماید.

فلاحیه (شادگان)

رژیم مزدور استخدا می کند زندگی ننگین خوش بهرگاری برای ادامه سپاه مداران فلاحیه جهت با صلاح کنترل دانش آموزان، اخبار "تعدادی از دانش آموزان نا آگاه را که ضمن نظر مالی احتیاج شدید پول دارند با دادن ماهی ۶۰ تومان اجیر کرده است تا به جاسوسی در مدارس بپردازند. انقلابیون و معترضین را به سپاه میفرسید

نما بند، جالب اینکه بسیاری از این دانش آموزان حاضر به همکاری با رژیم نشده و حتی دست به آشکاری زده اند.

تهران

دربکی از مدارس اهواز، دانش آموزی با لنگد بروی قوطی خالی ساندویس (عصاره انگور) میگوید که بر حسب اتفاق از قوطی عدالتی شبیه انفجار خارج میشود بعد از این عمل، عده ای از حزب اللهی طرف او را گرفته و میگفتند، این ضد انقلاب و خرابکار و او را این نشانه ها با ولبه اوست و تا بدفردا بسبب گذاری بکنند... معان دبیرستان با دیدن این وضعیت وساطت کرده و میگوید "با وجود اینکس همیشه شما تا یک اتفاق کوچکی بیفته زود بر حسب خدا انقلاب بزنید و تحویل سپاه بدهید، دبیرستان مسئول دانه، تا سلامتی میپردازد... بعد از این حرکت خودتان دانش آموزان از جنگ آنها خارج میما زود ظاهرا برای نصیحت و تنبیه به دفتر میبرید.

پوشه

مدرسه پروین احمادی - ۶۰/۸/۲۷: در انتخابی که دانش آموزان این مدرسه برای تعیین نمایندگان خود کرده بودند دانش آموزان انقلابی انتخاب شده بودند ولی وقتی مسئول امور تربیتی از آموزش و پرورش آمد تصمیم گرفت که نماندگان را عوض کند، در بعضی از کلاسها که دانش آموزان به این عمل اولیا مدرسه اعتراض نموده و انتخابات خود را بر حق می دانستند مانع تغییر نماینده خود شدند ولی آن کلاسها که نمایندگان در دفاع از حقوق خودشان دادند نما بنده اشان عوض شد.

ماهر

دربکی از کلاسهای چهارم نظری، معلمی معلم بدینی خود را با پرتاب کاغذهای شده مسخره و ذیت می نماید. معلم بدینی که در ضمن روحانی بوده است به طرف دفتر رفته و پس از تلفن به سپاه، با تعدادی با سدا ره سر کلاس حاضر میشود. با سدا ران تمام محصلین را بیرون میا و رتد تهدید می کنند که اگر ضعیف مذکور را ندهند همه شما را فلان و همیان می کنیم. ولی دانش آموزان هیچک حاضر با نشا و لو دادن دوست خود نمی شوند با ردیگر مصمانه اتحای خویش را در مقابل ارتجاع زبون به نماش میگذاردند.

سیزدهم آبان که معادف با روز دانش آموز بود با از ارتجاع بعد از سخنرانی دربکی از مدارس، دانش آموزان را تهدید می کنند چنانچه موقع راهبیمانی حضور نداشته باشند، بعد از حضور غیبت استان را با دداشت خواهد کرد و بعد هر چه که دهنده ز چشم خود دیده اند! اما دانش آموزان با تمام این تهدیدات به سدا از اتحای حضور غیبت، موقع راهبیمانی تمحیلی از سوی سپاه، یکی از صف خارج شده و عده زیادی از سیمهای خاردار پارکینگ نزدیک محل راهبیمانی با سه فرار میگذاردند. با سدا ران هم براری دستگیری به دنبالشان میدوند اما موفق به دستگیری هیچک از آنها نمی شوند. به هنگام راهبیمانی هم تعدادی که بالاچار نتوانستند به وقت بگریزند در جواب شاهاش که از سوی سپاه داده میشد، فقط شعار "مرگ بر آمریکا" را تکرار میکردند. و با این کارشان خشم و عصبانیت با سدا ران را نبر انگیزته بودند. در او خورا همبیمانی جنسیت اولیه دانش آموزان به کمتر از یک چهارم تقلیل یافته بود که این خود نشانهنده سطح رشد و آگاهی دانش آموزان انقلابی میماند.

به نقل از خروش - نشریه هواداران ما زمان چریکهای فدائی خلق ایران - شیراز (شماره ۹)

روز دوشنبه ۶۰/۸/۲۳ حدود ۲۶ نفر از دانش آموزان انقلابی مدرسه دخترانه زینبیه فسا توسط عوامل ارتجاع از مدرسه اخراج میشوند. نما بنده این دانش آموزان که بعنوان اعتراض نسبت به این حرکت به دفتر مدرسه رفته بود، توسط مدیر مرتجع موزدها تفت و تفتی قرار میگیرد و توسط گارد مدرسه (انجمن اسلامی) مورد محاسبه قرار میگیرد. در همین روز نیز تعداد ۲۶ نفر دیگر از مدرسه دخترانه فسا طعمه محاسبی اخراج میگرددند. بدنبال این عمل - ارتجاعی فردای آن روز و اولدین دانش آموزان در مقابل اداره آموزش و پرورش تجمع نموده و ضمن اعتراض به اخراج فرزندان شان خواهان بازگشت آنان به مدرسه میشوند، که مقامات با صلاح مسئول بجای جواب، حزب اللهیها را به سدا ران فرستاده و آنها را متفرق میکنند. این دانش آموزان هم چنان در حال بلاتکلیفی بسر میبرند.

تا کنون بیش از ۳۰۰ نفر از دانش آموزان مبارز و انقلابی این شهر از حق تحصیل محروم گشته و بیش از ۱۰۰ تن نیز در زندان های رژیم بسر میبرند.

گناباد - ۶۰/۷/۳۰

دانش آموزی به نام انگالی در حضور سرپرست آموزش و پرورش در زیرپای در نزدیکی شهر ادا میگردد. بعد از تلیک یک تیر به پای نا مرده از وی میخواستند که تیر بکند تا او را به بیمارستان برسانند ولی دانش آموز مبارز حاضر به اینکار نمی شود. تیر دوم را به سر او تلیک می نمایند و او را به شفا دت میرسانند. با شکده روزی اشتقاق خون این فرزندان دلبر خلق را از این دژخیمان بگیریم.

لنگرود - دبیرستان دکتر محمدق

صبح روز ۱۳ آبان هنگامی که صف دعا پیش را خواندند و زمر رفتن به کلاس بود یکی از افراد حزب اللهی به محصلین گفت: امروز روز شمیمه ام ما روز دانش آموز است با بدرا همبیمانی کنیم و ولی ناظم مخالفت کرده و گفت: آقای خورث (رئیس آموزش و پرورش) به ما اجازه راهبیمانی را نداده با بدبه کلاسها بتان بروید. یک حزب اللهی دیگر از میان دانش آموزان گفت: آقای خورث یک ساواکی است جلور چرشت می کند روز شمیمه اما مرا همبیمانی را نلکند؟ شمیمه این اختلاف رفتن دانش آموزان به کلاس بود ولی در ساعت بعد یک حزب اللهی در صف از دانش آموزان خواست به سخنرانی اش گوش کنند ولی عده ای از دانش آموزان به کلاس رفته و عده ای دیگر با توالی رفتن و غیره اعتراض خود را نشان دادند. در نتیجه صفی تشکیل شد، با لافره حزب اللهی به تهدید و ارباب و با همکاری اکثریتیها به عنوان مختلف موفق شدند از ۵۰۰ دانش آموزان دبیرستان حدود ۱۵۰ نفر را به راهبیمانی بکشانند! از میان این عده نیز بسیاری در سبزه افرار گردند.





ارگان سازمانی، نقش و وظایف آن (۸)

مبارزات خود را حول ارگان سازمان - نظریه کار - سازمان دهیم

وظیفه هر رفیق در مقابل ارگان :

اینک میتوان به بررسی وظایف تک تک رفقا اعم از رفقای تشکیلاتی و سیاسی هواداران غیرتشکیلاتی پرداخت. جهت این عمل ابتدا تا ماهی را که از سوی تحریریه ارگان مرکزی حزب کارسوسال دمکرات روسیه در سال ۱۹۵۸ خطاب به تمامی اعضا و هواداران نوشته شده بطور کامل نقل می‌کنیم. و از رفقا میخواهیم بدقت به تمامی نکات آن توجه کنند. لنین در این نامه گوشه‌های ظریفی از وظایف رفقای حزبی در مقابل ارگان را بررسی میکند.

از طرف هیئت تحریریه ارگان مرکزی حزب کارسوسال دمکرات تیک روسیه: رفقا! ما میخواهیم توجه شما را به یکی از روش‌های همکاران دربار ما که تبلیغات، بین ارگان مرکزی و مطبوعات مختلف محلی جلب کنیم. ارگان مرکزی اغلب اوقات متهم به این میشود که با جنبش‌های منظم، ندادن ارزبان غیر-متداول استفاده میکنند و غیره... البته در این ملاقات‌ها حقیقتی نهفته است. و ما کار ما را همکاران ما که از فاصله دورها پت میشود. در چنین دوران پرخاش‌های کافی نیست. بهرحال، جدا بی ما بخشی بسبب ارتباطات نادر و غیر منظم ارگان مرکزی و توده‌های سوسیالیست - دمکرات محلی و همچنین همکار غیرکافی این دو است. ما کار ما را همکاران ما همچنین اندازه کافی کمک نمی‌کنیم، اما همچنین

شما نیز به اندازه کافی کمک نمی‌کنید. ما اکنون میخواهیم بشکلی دقیقانه، توجه شما را به رفع یکی از این نواقص معطوف کنیم.

رفقای که در محل هستند از ارگان مرکزی در جهت اهداف تبلیغی به اندازه کافی استفاده نمی‌کنند. ارگان مرکزی دیرمیرسد و تعدادی که می‌رسد کم است. بنا بر این اغلب اوقات فروری است که:

(۱) مقالات و مطالب در نشریات محلی تهیه می‌شود. (۲) بیشتر اوقات شما را (و مقالات) ارگان مرکزی در نشریات محلی به زبان عامه فهم تر و آهسته تر و توضیح داده شود. در ضمن انجام امور فوق شما ممکن است آنها را کار نکنید. مقرر کنید، تشبیه کنید، غیره و غیره... زیرا شما به این علت که در محل هستید میتوانیید بهینجه چیزی بهتر است. این مطلب در مورد شما و انتشارات حزبی در موارد کلی صدق میکند. (۳) اغلب اوقات از ارگان مرکزی در نشریات محلی نقل کنید تا توده‌ها هر چه بیشتر با عنوان ارگان مرکزی، با ایده‌ها داشتن یک روزنامه دانشی خودشان، با ایده داشتن یک مرکز (رهبری) ایده‌ولوژیک برای خودشان چیزی که در توده‌ها به آن رجوع کنند و غیره، آشنا شوند. شما باید در تمام مواقع بگوئید در نشریات خود ذکر کنید که درست همین ایده در فلان مقاله "پرولتاری" مطرح شده است و بوی آن اخبار در فلان مطلبی که ارگان مرکزی منتشر کرده است وجود دارد و غیره... این ساله برای

آشنا کردن توده‌ها با ارگان مرکزی ما و گسترش نفوذ ما در تمامی زمینه‌ها بسیار مهم است.

کمبته‌های محلی اغلب اوقات مقالاتی را که خیلی موردتوجه شما پتان بوده است و تهیه می‌شود بجا آورده اند. آنچه که بجا آورده اند بسیار مهم است. داشتن شمارهای همانند شما با زندگی، شعری سازش، پیش نویس قانون اساسی و غیره، در مورد مسائل ارتش انقلابی و برنا مه یک دولت، انقلابی، دربار، تحریریه دوما، دولتی و غیره و غیره) شما باید سعی کنید که شما سعی استفاده‌های ممکن را از ارگان مرکزی در نشریات محلی خود کنید. نه تنها با تهیه جاب آن بلکه همچنین با توضیح ایده‌ها و شمارهای آن در نشریات خود. تکمیل کردن و ارتقا دادن آنها جهت انطباق با شرایط محلی و غیره... این مسائلی که شما پت برای ایجاد همکاری واقعی بین ما، برای تبادل نظر، تصحیح شمارها پتان و آشنا کردن توده‌های کارگران با این واقعیت که ما یک ارگان مرکزی دانشی حزبی داریم اهمیت دارد. ما بسیار سعی می‌کنیم که این نامه در تمام زمانها و حوزه‌های مطالعاتی شما با شین ترین سطح خوانده شود و مورد بحث قرار گیرد.

هیئت تحریریه "پرولتاری"
را بپوشی شما ۲۰۹، پست ۱۹۵۵
کلیات آن را لنین، جلد ۹، صفحه ۲۸۹، ۲۸۸
شما می‌توانید از لنین است
دنباله دارد

چرا رهبران جناح راست اکثریت هواداران انسان را از اوضاع بین المللی بی‌خبر نگه میدارند

اپورتونویستهای اکثریتی راست کوش کرده اند که برای توجیه نظرات خود در مورد کمیت کنونی زورواست بین المللی بین دولتها بفرمود بهره برداری کنند. ما بدون اینکه وارد این مطلب شویم که شرایط اولی بین کشورهای سوسیالیستی و سایر کشورهای با بهره‌مندی استوار باشد بی‌باک بودن استدلالات رهبران اکثریت راست را با فاکت‌های مشخصی بر ملا می‌کنیم در این مورد مثالهای زیر قابل توجه است.

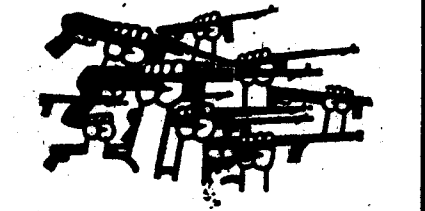
۱- هنگامیکه رجائی و با هنرگشته شدند دولت گویا سه روز عزای عمومی اعلام نمود. اکثریتی‌ها و توده‌ها بسیار به هواداران خود گفتند، ببینید! پس حکومت چندمرتفی است که گویا سه روز عزای عمومی اعلام میکند؟ ولی از بحث به اپورتونویستهای از چندی سادات نیزگشته میشود و این با هم گویا ۳ روز آنگولا ۲ روز بکره شمالی یک روز و دهه‌ای دیگر از کشورهای سوسیالیستی هم کم و بیش عزای عمومی اعلام میکنند حال معلوم نیست بر طبق این استدلال آیا سادات هم مرتفی و فدا مهربان نیست

بوده است؟! ۲- هنگامیکه ایران بعنوان ناظر در کنفرانس جنبه‌ها متنازع دعوت شد، رفیقیت‌ها با جنرال ازست گیسری را دنبال و سوسالیستی دولت ایران صحبت کردند. اما هنگامیکه نیروی اصلی این جنبه یعنی نیروهای جنبش فلسطین شروع به حمایت از مجاهدین و دیگر نیروهای انقلابی کردند هیچ صحبتی به میان نیاوردند. از ملاقات‌ها تا الحان با مسعود رجوی صحبتی نکرده‌اند از موضع گیری نشریه‌الهدف (متعلق به جنبه خلق برای آزادی فلسطین) صحبتی نکردند. ۳- هنگامیکه فلان حزب (برادر حزب توده) بود صحبتی موضع گیری می‌کنند سروهای بسیار راه می‌اندازند و اولی هنگامیکه مسئول روابط خارجی حزب کمونیست ایالتی و با جریانی از همین سطح با مسعود رجوی مذاکره و ملاقات می‌کنند صحبتی نمی‌کنند. این موقعیتهای انسان را باید در موضع گیری روزنامه جمهوری اطلالی می‌نماید که هنگامیکه مثلا بین بلا صحبتی راجع به ایران و انقلاب اسلامی به رهبری خمینی می‌کنند

سروها بسیار راه می‌اندازد ولی هنگامیکه همین آقای احمدین بلا با مسعود رجوی در پاریس ملاقات می‌کنند و از مجاهدین ستایش می‌کنند سکوت می‌کنند. احمدین بلا را می‌توان از الجزایر می‌خواهند. در تمام این موقع گیریها یک خط زرد مشخص میشود، نیا بدتوده‌ها از واقعاتی تا مثل جها نی و ریختن توهم جریانات سیاسی بین المللی نسبت به حکومت کنونی با خبر نمود.

اخبار شهرستانها، بقیه از صفحه ۱۹

به آتش می‌کشند و قصد داشتند و اراتا شهر روی زمین بکشند که فرمانده مزدوران از این کار جلوگیری می‌کنند. حرکت اخیر پیشمرگان کومله تا شیر زیاده‌ای در روضه مردم‌سنج گذاشت. درس خوبی به مزدوران و جاشها دادند. رژیم که از مقابل با پیشمرگان قهرمان عاز است زبونی خود را با اعدا متعادی از جوانان، به همگان نشان داد.



مبارزه ضد امپریالیستی از مبارزه برای دموکراسی جدا نیست

مردم چه میگویند؟ مردم چه میخواهند؟

در یکی از روستاهای حومه غرب تهران ۴۰ تا ۲۵ نفر از روستائیان در جریان قیام، چون بسیاری از روستاهای دیگر، مقداری از زمینهای زمینداران بزرگ را معادله کرده و بر روی آن به کشت و زرع پرداختند، در اوایل آبانماه هیئت هفت نفره "به این روستا رفت تا چون بنا بر روستاها در مورد زمینها تصمیم بگیرد" هیئت جهت پیشبرد سیاستهای خطی رژیم ابتدا با شورای فرمایشی محل هندست شد و اما میگوید که کسانیکه راگشته زمینهای معادله شده را در اختیار دارند، جمع آوری نمود و سپس جهت پس گرفتن اراضی روستائیان به بهانه های مضحکی متوسل شد، مثلاً به یکی میگفتند "شما و انت دارید و بنیاد زمین داشته باشید" به دیگری میگفتند "شما معادله کرده اید پس زمین نمیتوانی داشته باشی و بدین طریق زمین لازم برای پس گرفتن زمینهای مزروعی روستائیان مهیا گشت. اما روستائیان بسیار نا ارضی و متضررند و به طرق مختلف به مقابله و مقاومت در مقابل هیئت میپردازند.

یکی از کشت و زران میگوید "ببین چه جور مردم را از زمینها دور میکنند، آنچه که مپسند سوخته ای رفته گفته اند اینها کشت و زنیستند ببین چه جور اختلاف میاندازند، پسر سوخته رستاخیزی رفته توشورا برای همین کارها کشت و زنیگری میگوید "خوب اگر بخواهند زمین مرا بگیرند من بکشم عقب نمیروم. با بد زمین ارباب را که ۱۰۰ هکتار است بگیرند نه مال مرا که ۲ هکتار

بیشتر نیست" یکی از جوانان آگاه میگوید "اینها میگویند هر کس معادله و یا ما شین با چند گوسفند دارد تمیشتواند زمین داشته باشد ما با وجود آنکه همه زمینداران بزرگ را میباشند اما "سراغ آنها" نمیروند، در واقع هیئت ۲ نفره سنگ را بسته و یک را اول کرده است همان کشت و زرع با عصا نیت گفت یک دفعه دولت بپاد بگوید زمینها بتان را بدهید، چرا اینطور می کند، بگیرد بدهد ارباب، مثل زمان شاه، ارباب ترا کتور دارد، دستگیره دار و بیشتر زمینها ندیده برداری کند، مثل قدیم یک دفعه ۲۰ نفر را بگیرد برایش کار کنند! بنای روستا که در آنجا حضور داشت در همین حال گفت "یک روز دولت زمین را از شما بگیرد همه ها لگ، با ارباب متحد میشوند و زمان لگ هم میگویند، این اول کاره" یکی دیگر از روستائیان که هم ما شین دارد و هم قطعه ای زمین دارد حرف به این اقطع کرده گفت "زمان شاه و اربابها به محض اینکه وارد محل میشدند مرغ و غذا و پول میگرفتند و کبسه تا برآبر میگرفتند، حالا اینها هم همینکار را می کنند" پسر جوان گفت "اینها کارهای دیگر شاه را هم خیلی خوب انجام میدهند، مثلاً زمان شاه هر دهقانی جلوا را بش می بستاد، بتوان فدا شد سرکوبش میکردند و امروز هم بتوان فدا شد سرکوبش میکردند و ارباب نیست هیئت ۲ نفره خودش ارباب میشود اگر هم خواستهایش را انجام ندهی میجوی فدا انقلاب! کشت و زنی که تا حالا کت نبود و با تبسوتگان دادن سر حرفها را تا شد میگردد گفت "راست میگویند تا حرف بزنی میگویند فدا انقلاب، خیال میکنی کسه کردستان جلور شده این روزا فتاد، آنجا هم نمیگذاشتند مردم را حت با شد، دیدید چه خونریزی شد، اینجا هم اگر خونریزی نشد من دستم را قطع می کنم روستائی ایلی با خشم بسیار زگفت "تورا خدا نگاه کن

پنجاه هزار رگشته دادیم ما لانی تو نیم حرف بزنیم، ببین چه جور غفلان آمده، مثل زمان شاه، توفت هم نمیشد حرف بزنی و در حالی که بیرون میرفت بشکلی مصمم و محکم میگوید من میخواهم زمینها بگیرم ببینم کی میخواهد بگیرد روستائیان دیگر بدنبال او با عداوت بلند میگویند اگر شده جانم را فدای این زمین کنم یک تکه زمین را به آنها نخواهم داد هنوز هیئت نتوانسته به حرفها بستن جامه عمل بپوشاند و با لایبها ربا بتوان کردن این مطلب که فعلاً مجلس در این مورد طرحی نداده، عقب نشینی کرده است. دهقانان ایران بیش از ۲/۵ سال است که در جهت تحقق خواستهای دمکراتیک خود به شیوه های مختلف در مقابل رژیم ایستاده اند. در این راه تجارب گوناگون کسب کرده اند، شوراهای دهقانی ترگشتن صراحتاً، بنکهای سندج، معادله زمینهای زمینداران بزرگ، مقابله با فئودالها که از سوی رژیم مسلح شده اند، تحریم فروش اجباری برنج و گندم به رژیم و... اشکال متفاوتی عمل مستقیم دهقانان در قبایل سیاستهای سرکوبگرانه و ضد خلقی رژیم است. در مقابل رژیم که از کشتارهای وحشیانه سرکوب غربی، تسلیح فئودالها، و عداوت از زمینداران طرفی نیست است اینک به هیئت های هفت نفره متوسل شده است تا مگر با قریب و نیرنگ و در همین تا مین منافع زمینداران پسر مبارزات دهقانی مبارزند. اما عملکدهای این هیئت ها بدرستی گامی بیشتر در جهت افشای ما هیئت رژیم بیگانه است و کتار را بجای ربا نیده که رژیم با اگر هر چه شما مترقیدار بدها برای بندج بپدا زد تا مگر کوروم برانقلاب پیروز گردد. اما جوانان تعمیق شونده و مبارزات او بگیرند - دهقانان خود بهترین دلپای است که مطلق این رویای شریفین رژیم را اثبات میکند.

بار دیگر جلادان رژیم جمهوری اسلامی با تبه کارانه ترین شیوه دو تن از بهترین فرزندان خلق را به شهادت رساندند.



مردم مبارز مسجد سلیمان!

بار دیگر جلادان رژیم جمهوری اسلامی با تبه کارانه ترین شیوه دو تن از بهترین فرزندان خلق را به شهادت رساندند.

فدائیان خلق، رفقا هوشنگ والی زاده و علی مملی که حدود دو سال پیش به هتام

بخش اعلامه دستگیر و به دو سال زندان محکوم شده بودند، پس از اتمام محکومت همچنان در زندان نگاه داشته شدند

و پس از دو سال و دو ماه اسارت، بدون محاکمه توسط دژ خمان جمهوری اسلامی تیرباران گشتند.

مردم قهرمان مسجد سلیمان هرگز خاطره فرزندان مبارز خود را فراموش نمی کنند. با افتاء رژیم ضد خلقی و کتار مبارزات خود جهت سرنگونی حکومت جمهوری اسلامی خاطره فرزندان قهرمان خلق را گرامی داریم.

مرکز بر رژیم جمهوری اسلامی - مرکز بر خمینی خون آشام - زنده باد شوراهای انقلابی

پیش سوی تشکیل مجلس مؤسسان

سازمان چریکهای فدائی خلق ایران - حوزستان
آبان ۱۳۶۰



سیاستهای

بقیه از صفحه ۱
 فریب و شیرینک و بخصوص با سوجدویسی از -
 توهمات مذهبی، توده ها را به جاسوسی
 برودن انقلابی و آوار کردن از بنوعی و علاوه
 بر تاسی می نیروی تبلیغاتی خود به فتوی
 خصمی نیز متوسل شد اما خلقها نفسی
 دیدن شکن به جلاد داد. توده ها نه تنها تن
 به جاسوسی و با بقول رژیم با ساواکی
 شدن ندادند، بلکه برای از تازجا رو تفسیر
 آنان از این عمل - که در تاسی گزاشات
 ما بخوسی مفهومات - مشت مکتبی بود
 در مقابل سیاستهای فخری رژیم بهرور
 ها که مقدس میانی قرار گرفته و این
 با رفتاری سلیبی از توده ها را به حرکت
 از دنیا آورد بلکه آنان را از تاسی بیستار
 آنگاه رژیم مجبور به اجرای تاسی تاسی
 چون کمیدی ما در طریق اعلام شد. هر گناه
 به جاسوسی بهر خود و سیمترین افشا توده ها
 با این عمل را در یک جمله علامه کنیم -
 می توان از زحمت زین زحمتی را کثرت کرد
 که میگفت: "اسم ما در راه هم غراب کسرد،
 اگر میدیدم من با دستهای خودم فاش میگردم"
 و این واکنشی بود که رژیم را احداث کرد
 این مورد به عقب نشینی و آوار شد. رژیم
 دیگر آوار بی "سپنج توده ها در زمان
 اطلاعات ۲۶ میلیون نگرد، اما از سوی
 دیگر از تبلیغات مسوم خود در جهت سا زمان
 - دهی علی سا واک بودید رژیم که از
 ابتدای قیام ما و ما را به بیاری سا واکها
 و مزدوران حزب الهی سا زمان داده بود
 اینک با وفا حتی به کثرت علی ایمن
 دستا جبهی برداخت رژیم. رژیم با
 این عمل در عین سوید زدن مزدوران -
 حزب الهی، سپنج، سیا و کمیته - رژیم از
 همکاری بهدیر سا واکها - و اخیرا -
 بر مبنای گزاشات با بگا رگبری گسترده
 فرا ما میوزها - سود میبرد در این راه -
 بهترین سود را از تازجا رب جبهی تاسی
 امیرا لیم در سر کوب خلقها برده است.
 رژیم جمهوری اسلامی هر چند نتوانست
 سا واک ۲۶ میلیون را تدارک ببیند اما
 بخوسی موفق شد با اعمال وقیعا ننه
 جاسوسی و سر کوب و شکنجه خود روی سا واک
 تا در اسفید کند.

در مورد اعمال وقیعا رژیم به جهت
 تداوم اختناق و دیکتاتوری توده ها
 خود بهترین و ملموس ترین شواهد را در
 دست دارند و خود بهترین تجارب عملی را
 در زندگی روزمره خود کسب کرده اند. هر یک
 از مردم از هر قشر و طبقه ای از خلق هر روز
 شاهد تمهیداتی است که رژیم جهت سر کوب
 انقلاب و جلوگیری از رشد مبارزات توده ها
 بگا ر میگرد. رژیم که از مدتها قبل با نگرینی
 کشتن اتومبیلها، تفتیش لباس ها و سا کها
 و کیفهای ما بزین، محله گردی و... طرفی
 نیست اینک به شیوه های دیگری روی
 آورده است. تاسی دانش آموزان هر روز
 شاهدند که چگونه رژیم تاسی نیروی خود
 را جهت جلوگیری از رشد گامی از این به
 گزاشات رژیم، رژیم بنگ در مدارس -
 شدیدترین تفتیش بدنی را اعمال میکند.
 نه تنها تاسی لباس ها، کیف، لابلای کتب
 و دفاتر دانش آموزان را میگردند، بلکه
 در موارد متعدد دانش آموزان را مجبور
 کرده اند سبب یا غیر همراشان را گسار
 بزین تا از عدم وجود علامه در داخل آن
 اطمینان حاصل شود. در مدارس متعددی
 در هر کلاس ۲ یا ۳ سببی به تحصیل -
 مشغول گشته اند تا دانش آموزان را کلا
 کنترل کنند. در دبیرستانهای سا باقیه
 مبارزاتی با درجوا رگلاها تا بی -

کمیتها اختتام یافته و با در کتا رمدارس -
 کمیتها بجا ندهد انت. جاسوسان ان سوز -
 تربیتی در تمام لحظات به جاسوسی مشغول
 - اند حتی سرفصدها ن شاگردان کنترل
 میشود که آیا شما میدهند یا نه. در برخی
 مدارس در کلاسی آیفون گا رنهاده شده تا
 سخنان دانش آموزان توسط مزدوران رژیم
 کنترل شود، دانش آموزان حق بردن موزیک
 را به مدارس ندارند و گا رنهاده شده است
 که در دوران در مدرسه فقط مینی (که جدیدا
 نام مکتبی اش را مکتب آزادی نهادند) -
 سیم خارها زنجیر کرده اند تا دانش آموزان
 نتوانند فرار کنند... تاسی این اعمال
 از وحشتی با یان رژیم است، وحشتی
 که از قدرت دانش آموزان سرچشمه میگیرد.
 وحشت از بیگانگی ها، بیگانه ها، مجردها، وحشت
 از نادیده نگری و وحشت از زنجیر بی
 تاسی نظمین بطور روزی و تاسی اعمال
 فخری رژیم موا جهند، اینک هرگونه
 دوستی بین دو معلم متنگ است مدروکی جهت
 اخراج باشد. صحبت کردن در دفتر مدرسه
 ممنوع است مگر در مدرسه با جاسوسان مور
 تربیتی آنرا کنترل کند هرگونه تاسی و
 دوستی با دانش آموزان به موا خردود -
 نهایتا اخراج منجر میگرد. در هنگام
 استفاده موبها، معا حیات معمول از معلمین
 خواسته میشود در مورد دانش آموزان جاسوسی
 کنند. آدرس و کتروکی خانه های آشناسان
 گرفته شده و جاسوسان رژیم در محل از -
 همسا یگان در مورد آشناسان تحقیق میکنند.
 در موارد متعددی خانه های معلمین
 وقیعا نه مورد تفتیش قرار گرفته تا مگر
 صدهی جهت جلا بدست آید. این حرکات -
 مذبحها نه بیبا نگرها سی است که رژیم از
 رشادگا می توده ها از تاسی آنان با یکدیگر
 و تشکلان دارد. هراس از صدها، بهروزها،
 موضیه ها و کرجی بیانی ها، هراس از مگر
 تاریخی.

رژیم اسلامی کار را با جاسوسی رسانده که از
 دانش آموزان دبستان در مورد برادران
 و خواهران، بهر و ما در وفا میلهها یشتان
 جاسوسی میکند. در دبستانها شولانی چون
 درخا نوده تان چه کسای نما ز منی خوانند
 "قدر میمان دار بد" - دستها یشتان به
 خانه میا بندیا فا میلهها یشتان... از
 دانش آموزان شده است وحشی در دبستان
 مشغول مزدوران مور تربیتی به بیجه های
 ابتدای در زنگ ورزش گفته است "بیا بید
 بازی کنیم، طرفداران رجوی و بنی صدر
 بگرف با یشتند، طرفداران حزب الله و
 اما طرف دیگر... تا تا بدید بظرف
 بتوانند تاسی کثیف خود را جا مه عمل -
 بهوشانند.

در ادارات رژیم علاوه بر تفتیش بدنی،
 کشتن میزها و کتوها در ساعات غیر اداری و
 کنترل برخی تلفن ها، به شیوه های کثیفی
 متوسل شده است و با تهیه کتروکی متازل -
 کارمندان در مورد آشناسان به جاسوسی یا -
 تعقیب و مراقبت وی بر طبق خطی میپردازد
 از جمله در شهرهای بر طبق یشتان ما -
 محرمانه ای به شماره ۷/۲۱۷۷۷ که به -
 بنا طبق بیستگا نه و کلمه ها جدا می تا به -
 ارسال شده است مدبر کل اجرا اداری -
 "احمدی قر" دستور داده است که "در اجرای
 دستور سیمت محترم میپردازد از غرض
 است دستور فرمایند که در روز و کتروکی متازل
 کلمه پرسنل (گا رنشد) - گا رنشد (ان) واحد
 را به تفتیش تفتیش بیوست ملحق به مکتب
 تهیه و جدا گشتا تا با یان همرا -
 و به تفکیک بطور محرمانه به قسمت گا رنشد
 ارسال فرمایند" و این علاوه بر تاسی
 جاسوسی ها سی است که گسگان انجمن اسلامی
 در ادارات انجام میدهند.
 کارگران در کارخانجات هر روز اعمال
 فخری رژیم را تجربه میکنند. با زورسی
 بدنی، کشتن گندها و میزها ی گسار،

جاسوسی انجمنی ها، بهر سی مهرشنا ستامه
 - ها در عین استفاده، بخشنا به های متعدد
 جهت جلوگیری از بحث و گفتگو، ممنوعیت
 هرگونه اعتراضی، دستگیری های متعدد
 و اخراج بهر بهانه، شیوه های است که
 رژیم فخری جهت جلوگیری از مبارزات
 کارگران بگا ر بسته است. و اینها از وحشت
 دهها هزارا رگا رگربشروا است، از وحشت
 انقلاب است.

رژیم در هنگام استفاده به شیوه های
 مذبحها نه ای چون امتحانات ایدولوژیک
 معا حیه، فضا می و فضا من معرفی و متناق
 درخا نوده و فضا ل سیاسی در بین دوستان
 دست زده است. رژیم در با دگا تنها جهت
 جلوگیری از تاسی و پیشی اعلامیه
 تاسی سربازان را با زده است میکند. در
 رویتها به بهانه تهیه شنا سبب رویتها در
 به تفتیش فقا بدو جاسوسی میپردازد. در
 اتوبوسها برای ایجاد محیط زنج و وحشت
 در موارد معدودی با زده است تاسی شخصی
 سوا ر میکنند توده ها را از بحث کردن و
 افشاگری با زده است. تاسی ها را تهدید
 کرده است که در صورت عدم معرفی بحث -
 کنندگان را سیاسی، ما شن آنها معا دره -
 خواهد شد. اتوبوسهای سافربری را تفتیش
 میکنند... رژیم جاسوسی استفاده میکند
 پول میپردازد، تاسی نیروی خود را بگا ر
 گرفته است تا مگر بتوانند در راه رسید
 انقلاب بیدار و در دیکتاتوری خود
 تداوم بدهند.

اما واقعیات موجود نشان میدهد که تا
 چه حد رژیم به عین میگوید دیکتاتوری
 عتاق گسیخه خود را تداوم بدهد، انقلاب
 به پیش میا زود تاسی سدهای مقابله
 خود را خواهد شکست و در این راه تاسی
 تمهیدات رژیم جز تفتیش بیهوده خوگی که
 در مرداب دست و پا میزند نیست. اینها
 نه سخنان ما، نه ذهنیات ما بلکه واقعیات
 است که از میان عدها خبر و گزارشا گسلا
 مشهود است.

تاسی زنجیسی و پیشی اعلامیه در مدارس
 علیرقم تاسی حرکات مذبحها نه رژیم
 حرکات اعتراضی در مقابل تفتیش بدنی،
 مقابله های دانش آموزان با جاسوسان
 امور تربیتی، افشا و طرد مزدوران حزب
 الهی، واکنشی های انقلابی و اعتراضی به
 اعدام دانش آموزان انقلابی همه و همه
 بیبا نگر شکست سیاستهای رژیم در مدارس
 وضع روز افزون است.

حرکات اعتراضی کارگران، تحریم
 انتخابات فرمایشی در کارخانجات،
 اعتراض در مقابل سیاستهای سجون
 تعطیل و شبهه در نشت، شکل گیری و رشد
 بی درین صندوقهای بیگاری در کارخانجات
 و همچنین ادارات، اعتراض قابل اغماز
 کارگران استار لایت در مقابل اغماز
 همکارها رزبان و دهها یوزد دیگر شرکت
 مبارزاتی کارگران بخوسی شکست

بازمانده در صفحه ۱۲

مجموعه کتابهای "سازمان چریکهای فدائی خلق ایران"

کتاب: "سیاستهای سازمان چریکهای فدائی خلق ایران"

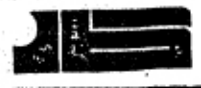
تعداد صفحات: ۱۲۰

قیمت: ۲۰۰۰ ریال

محل خرید: دفتر انتشارات، تهران، خیابان ولیعصر، پلاک ۱۲۰

تلفن: ۱۲۰۰۰۰

پخش کننده: انتشارات فدائی



سیاستهای ...

بقیه از صفحه ۱۳

سیاستهای رژیم در مقابل کارگران و انبیز نشان میدهد. تنها و همشما رنویسی در کارخانه - جات و بخش اعلامیه های نیروهای مترقی نشان میدهد که هیچ نیرویی قادر نیست انقلابیون چنان برگردد که در قلب توده ها جای دارد و زغالیت و رشدی زدارد. به عنوان مثال رژیم پس از دستگیری بیش از ۲۰ کارگر قهرمان تومور میگردتوانستند است پشت انقلابیون را در کارخانه نجاش پنها (هلیکوپتر سازی) به خاک بسا بدنا پیش و پس وسیع تر از همیشه اعلامیه - کا رگران و پیشرو در داخل کارخانه بدرستی نشان داد که هیچ سدی قادر نیست در مقابل سبل خروشان انقلاب تاب بیاورد و پس از آن نیز پیش وسیع اعلامیه توسط رفقای ما در مقابل کارخانه - در زمانی که رژیم تمام می مزدوران خود را بسیج کرده است - بخوبی قدرت انقلاب و خواری و بزبندی رژیم را به نماش نهاد.

رشدی رزات دهقانان و زحمتکشان روستا، مقابل قهرمانان نه آنان با - سیاست ضد خلقی رژیم در جهت خریدارزان - برنج و گندم و... واقعی است که آنها شاکت رژیم را به نماش مینهند. و در روزها قزون بحث ها و سیاسی تر شدن هر روز، آنان در صفها، انبویس و تا کسی ها همه و همه نشان میدهد که هیچگونه حیل و با تهدید و رعبایی قادر نیست مردم را از عرصه مبارزات سیاسی بیرون براند و پیش وسیع شریکها را در قاصی نقاط ایران بدرستی ثابت میکند که رژیم هیچ طریقی قادر نیست حتی با بکارگیری تمامی نیروی رشدی انقلاب را سد نماید. آری رژیم به عبت میگوید دست و پا میزند و تقلا میکند، خلق با متانت و آرامش به پیش میرود و انقلاب به پیش میراند. آنگاه که توده ها در اوج - اختناق در مراسم شهادت فداشان و معادین در درو دروا میبمانند می کشند - بیش از ۲۰۰۰ نفر شهادت میدهند. مرگ بر پا سار آنگاه که در سوگ مرگ قهرمانان فداشی کبیرا اسکندر، درسیا هی های شب

دیکتا توری سبل روستا شان به خانه - آنان را سر از بر میگردد، برآستی میتوان صف و زبونی رژیم را دید. آری دیگر با تکبیر کشتا روقتل عام نیز نمیتوان این خلق ستم دیده و قهرمان را در بند نگاه داشت.

تعا و اممال سرکوبگرانه رژیم خود قلمی است در جهت هر چه نزدیکتر نمودن مرگ محتوم آن. تنها و امالین سیاستهای وحشیانه در عین دامن زدن به موج وسیع نا رهایی توده ها آخرین ذرات توهم موجود در میان با شین ترین اقاتار خلقی را نیز نیست به رژیم از زمین میبرد. توده ها در جنا رب عملی خود در میان بندگی رژیم بزند آنان نسبتا قدرت بیکران آنان میبهراند. توده ها میدانند رژیمی که بر خلق متکسی با شدنیای به تنگه بر سر نیزه نداد. اما از سوی دیگر هزینه سرما آورنده گردش در آوردن این دستگاه عظیم با سرور، سرکوب، شکنجه و جاسوسی کندولت و شکست رژیم جمهوری اسلامی را خواهد شکست. رژیم که اینک ذره ای از زردیاشکهای از رشدی رزات و از اینرو تمامی پروژه های - عمران - و تمامی خریدهای ضروری و تمامی حرکات حیاتی خود را اجبارا تعطیل کرده است، محبورا ست جهت جلوگیری از رشدی رزات خلق مغار ج وسیع سیستم جاسوسی و سرکوب خود را ببرد از زردی جبرندگان را بدهد و سلاح لازم جهت کشتار را تدارک ببیند. و این مغار ج سنی است مملک برای حیات اقتصاد ای رژیم، سنی که بزودی رژیم را مغلوکا نه از پای خواهد نداشت.

اما در این میان نقش نیروهای پیشرو اهمیت دو چندان می یابد. با بدانت که توده های بی سازمان و خلقی که به آگای می طبقاتی صلح نیا شد در مقابل دیکتا توری و سرکوب، آنها سرکوبی - اینچنین قاشیستی میبهراند و در اینجا است که با بدینرویی پیشرو تمامی توان خود را در جهت خشی ما ختن هر چه وسیعتر سیاستها و روشهای سرکوبگرانه رژیم، در جهت از زمین بردن جوار عاب و وحشت و در جهت به نماش نهادت قدرت انقلاب بکار گیرند. در اینجا ست که با بد علیرغم

سیا هترین دیکتا توری و وحشیانه ترین کشتار و بذر آگاهی را در میان خلق پیشاند و مبارزات توده ها را از زمان دهد. با بد به توده ها گفت و برای وسیعترین اقاتار روشن ساخت که تمامی این حرکات رژیم از سر ترس است. با بد خلق را به قدرت خود واقف ساخت. با بد آنها را با آوری کرد که چگونه قدرت لایزالشان جزیره شبات را به آتش کشید اما آنها را قاشی نیست باید قدرت انقلاب را به نماش نهاد. با بد - فداکاری را با تمامی وجود میگردد و گرفت و تداوم مبارزه را به عریا ترین شکل، آنسان که نا آگاهترین توده ها نیز ببینند و درک کنند به نماش گذاشت. با بد هر محبت با بکارگیری تمامی شیوه ها - با - شما رنویسی با پیش اعلامیه و تراکت با دستنوشته، با دامن زدن بحث و... نشان داد که گردونه انقلاب از کار باز نمی باشد. بلکه رژیم را در زیر چرخهای خود فرو خواهد کرد. با بد کوچکترین اعتراضات را از زمان داد، با بد هر حرکت انقلابی را از زمان با بد توده ها را بحرکت خلق و رشدی بندید و ادا داشت. و آنان را در این جهت متشکک کرد، و در نهایت با بد آنان را که در جهت سرکوب حرکات توده ها پای می نثارند و از اینرو نیز در نزد وسیعترین توده ها منفورند با قدرت فخر خلق از میان برداشت.

رژیم مدتها ست جنگ مرگ و زندگی خود را آغاز کرده است و در این راه از غریبترین شریکهای سرکش خود را بکار گرفته است از اینرو دیگر برای برای با زکشت ندارد. رژیم اینک در نزد وسیعترین توده ها رسوا و بی آبروست و از اینرو جانی از جزئیکی بر سر نیزه برایش نما نده است. از اینرو بگذار توده ها میبمانند شکست و شکست به نماش میبمانند خویشتن را بکار گیرند. بگذار توده ها، و نمده، صدا زانقلابیون را به جوعه مرگ بسپارند این ها شنجاست که اوست و مگر نه اینکه میان سرمایه داری و کمونیسم دره ای است که با بد از کاستر کمونیستها بر شود، پس چه باک، زیرا که جاده سوسیالیسم از لاله های سرخ گفترش گشته است.

ضرورت جدائی ... بقیه از صفحه

سایرین است. برآستی از یک جهت این توتالیتا ریمشیمی است که میگوید حکومت کندوا را بپرا در روند تشکیل و تکمیل ملت - کشور بورژواشی اخلال میکند بدین ترتیب شیعه زندگی جمهوری اسلامی هم با نیونا لیم بورژواشی دشمنی میوزده و هم با روند تکمیلی که با به تفویض لیم ملی را تشکیل میدهد. عواقب دیگر حکومت دینی: دکما تیسمدن سرکت هر چه ان بیینی مذهبی است و دکما تیسمشیمی که حاوی مجموعه ای از روشهای از پیش تدوین شده برای تقریبا کلیه زمینه های زندگی است، نه تنها بر خلاف آنچه مخالفین مذهبی رژیم میگویند و ادعا میکنند، ضد دیکراسی عقیدتی است بلکه به نظر میزند که از سایر مذاهب و ادیان فددیکراسی تیک تر باشد. آنچه تا ریح از موارد تعدی دستگاه تفتیش عقاید (انگیزسیون) در حکومت کلیسای مسیحی حکایت میکنند و یا در تاریخ مسلمانی از موارد فداوان ندیت با هرگونه اختلاف عقیده - تحت عنوان رفق، ارتداد ابداع و... خوانده ایم، همگی یکجا جزو ربه های جاری حکومت اسلامی قرار گرفته است. بکار بردن دینی، انسان ابزار بیلا - اختیار و صرفا کارگزار مشیت الهی است - و تمامی مباحثی با بان الهیون در بحث از جبر و اختیار رزاتجا میبمانند

جاسوسی کشنده نشان میدهد راست در میان خود و شورا جبارا کشتار حرکت کشید - و آنسان فقط به این اعتبار که مجری بی کم و کاست فرمان الهی (ابلاغ شده از سوی انبیا و اولیا لامرودر جا ل حاضرینا ولایت فقیه) است. "انسان به حساب میاید. در درک ادیان از مقام انسان از آنجا که ادیان بزرگ پیش از ظهور و تکوین اندیویدوالیم بورژواشی شکل گرفته اند، جاشی برای توده ها اعتبار فردیت او وجود ندارد. ضرورت ندا رد برای اثبات این مدعا، شواهدی از عملکرد - حکومت حاضر با وریم. همچنین از آنجا که ادیان بزرگ، و - منجمله اسلام، در دوران برداشتی تکوین یافته اند، در آنها برای زن هیچگونه حتی که حاکی از مساوات با مردیاند، پیشینی نشده، زنان تحقیر می شوند و مستحق بستوی خانه ها و پرداختن به کار منزل و زادن - فرزند و اطفا شوهت جنسی تلقی می شوند عملکرد حکومت حاضر نسبت به زنان، گواهی این سخن است. ویژگی دیگر درک دینی اینست که با اشاعه تفکر علمی ضدین میوزده، زیرا بخوبی میدانند که گسترش علم راه بر کفر و زندقه با میگردت و تا عین را بی مشرتی می کشند. استثناء بر این قاعده تلاش متدینین متجدد است که بر خلاف - متشرعین رسمی، برای اثبات وجود با ری تعالی - به بعضی یافته های علمی - که به گمان آنها شاهد مدعا ست - استناد می کنند و در عرض از سوی متشرعین به

علم گراشی (سیا نشین) تمام میشوند. لیکن در مجموع در درک جاسوسی رژیم - اسلامی، تفکر علمی، سوبیزده در صاحت اجتماعی مطرود است (همچنان که گوش - های فلسفی نیز از دیرباز در حوزده های علمی مطرود بوده و فلانها را این حیث که چون و چرا در حکمت الهی می کشند، ارج و قدر چندان ندانند) چنین تداومی با علم و تفکر علمی، خواه نا خواه نا آگاهی که زمینه ها را فراهم میسازد و وجود دارند، مروج خرافات و تفکر فدهلی است. و از این حیث نیز نمونه ها و موازین برای حکومت حاضر و ان است. (البته با بد گفت که ضدیت با دانگاه، بیش از آنکه از این انگیزه مهم باشد، از ملاحظات سیاسی ناشی میشود) اینک نزدیک به سه سال است که توده های مردم خواه و نا خواه در سرا بر تجربه ای روشن و فا رغ از آنها میبماند جمهوری اسلامی قرار دارند. آنچه در اروپا ها عقب مانده - ترین و سنی ترین اقاتار را میبماند - حکومت عدل شیعه بود، برآنجامی به عمل به خود پوشیدنا نه تنها پیدا ده ای کهن را استمرا ریخت، بلکه زخمهای تازه ای بر کرده، خلق ستم کشیده ما به جای نهاد. چنین است سنیای اسلام بر سر حکومت هگان از پیش ما ر چیزی شنیده اند، اما آن که در پیش ما نشی ما را شناخت، با سار بیشتر آشناست. بیستیم بر خورد در هاب و طبقات گوناگون جاسوسی و نیروهای سیاسی آن، با این ما رگزیدگی خست از داده ها را



دموکراسی

بقیه صفحه ۲
ارزشی ریشه‌ای "اشاره میشود، اما روشن است که هیچ "اطلاعات ارضی ریشه‌ای بدون - سپردن ابتکار عمل بدست خوددهقانان - ممکن نیست .

هنگامیکه این برنامها شوراها و کمیته های دهقانی را بمنوان ارگانهای - اقتدار رتوده‌ای برسمیت نمی شناسد - هنگامیکه برای دهقانان این حق را قائل نیست که ابتکار عمل را خود در دست گیرند ، در حقیقت وعده اطلاعات ارضی بوروکراتیک را به دهقانان میدهد . در حالی که دموکراسی پرولتری خواهان اطلاعات ارضی بشیوه‌ای دموکراتیک یعنی از طریق کمیته‌ها و شوراهای دهقانی است .

از این زمینه نیز که گذریم در مساحت آزادبها و حقوق دموکراتیک شده‌ها بمواری برمیخوریم که اساسا "تألفی دموکراسی است - برنامها زمان نخستین ماده اول برنامها میسر تمام وعده‌های خود در باره آزادی و دموکراسی خط بطلان میکشد . در اینجا گفته میشود "دولت جمهوری دموکراتیک اسلامی ایران ، دولت است موقت که اساسا "وظیفه انتقال حاکمیت به مردم ایران و مفسسفر ساختن حاکمیت جدید ملی و مردمی را بر عهده دارد ."

سؤال ما اینست که اگر دولتی که در اینجا توصیف شده است ، دولتی موقت است و اگر آقای رجوی به اراده مردم اعتقاد - دارد و نیز معتقد است که نظام سیاسی آینده در مجلس موسسان دموکراتیک و خلقی باید تعیین کند ، پس بر اساس کدام اراده مردم "جمهوری دموکراتیک اسلامی ایران" پدید آمده است ؟ مگر جز اینست که این نظام حکومتی را مردم میسازند یعنی تعیین کنند ؟ مگر جز اینست که وظیفه دولت موقت تا تشکیل مجلس مؤسسان و تعیین نظام سیاسی آینده رتق و فتق امور است ؟ پس چه شده که از قبل و هنگامی که هنوز نودم مردم هیچ نظام سیاسی معینی را آزادانه انتخاب نکرده اند "جمهوری - دموکراتیک اسلامی ایران" پدید آمده است ؟ اگر این دولت موقت است پس "دولت جمهوری دموکراتیک اسلامی" نیست و اگر "دولت جمهوری دموکراتیک اسلامی" است پس

دیگر دولت موقت نیست ، زیرا از هم اکنون نیز نظام سیاسی آینده را تعیین کرده است . در حالی که دموکراسی پیگیر پرولتری از یک "دولت موقت انقلابی" سخن میگوید . این دولت که ارگان قیام پیروز منند بوده‌ها ، تسلط بر اراده آنها ، محری خواستها و اراده مردم است . دولتی است که بشیوه‌ای انقلابی قدرت را بدست میگیرد و بسا نگار اراده طبقات انقلابی ، یعنی کارگران و دهقانان و اقشار زحمتکش شهر است .

این ارگان که موقتا "وتا تشکیل مجلس مؤسسان و تعیین نظام سیاسی آینده زمام - امور را بر عهده میگیرد ، وظیفه دارد که - بقایای فدا انقلاب را درهم گوید و شرایط دموکراتیک را برای تشکیل یک مجلس - مؤسسان خلقی و دموکراتیک فراهم آورد . شرایط تبلیغی آزادانه و استفاده از تمام وسائل ارتباط جمعی از جمله رادیو و تلویزیون را برای نیروهای انقلابی فراهم آورد و فوری ترین و عاجل ترین خواستهای مردم را عملی سازد . یک چنین دولتی هیچ نام دیگری جز "دولت موقت انقلابی" - نتواند بر خود بگذارد .

مجا همدین خلق نه تنها از پیش خود - سرانه نظام سیاسی آینده را تعیین کرده - اند و دولت موقت را تشکیل داده اند ، بلکه با غفلت مذهبی دادن به دولت موقت و نظام سیاسی آینده ، یک گام زبور و زوری نیز عقب تر شده اند .

پس تردید هر دولت مذهبی اساسا "تألفی دموکراسی است . دولت مذهبی نفی جمهوریت ، مذهبی کردن دولت و قائل شدن بکامتیا و ویژه برای یک مذهب خاص چیزی جز نفی ابتدائی ترین حقوق مردم نیست . دولت پیرویی در اسرائیل و دولت اسلامی در ایران با شکارترین وجهی نشا نمیدهد که چگونه دولت مذهبی با هرگونه آزادی و دموکراسی و با برسمیت شناختن حقوق و آزادیها - مردم در دستگاه مذهبی ، تجربه سال گذشته - در سهای لازم را بر آورده‌ها و زحمتکش میهن ما آموخته است . آنها اکنون بدین مسئله آگاهی یافته اند که بدون جدائی کامل دستگاه دولت از دستگاه مذهبی ، همان روشندلخواهند داشت که خصمیت بر سر آنها آورد .

هیچ دولتی با خصوصیت مذهبی "از خطه جمهوری دموکراتیک اسلامی" نمیتواند حقوق و آزادی های مردم را برسمیت شنا سدور عایت کند . از این رو دموکراسی پیگیر پرولتری با - مراحت اعلام میکند که خواهان جدائی کامل دستگاه دولت از دستگاه مذهب است و بدین باید امری خصوصی محسوب گردد . انما جاهدین خلق نه تنها این جدائی را بر مراحت اعلام - نمی کنند ، بلکه بنحوی برتری یک مذهب بر مذهب دیگر را میبیزیند و حتی بر امری حقوق اجتماعی و سیاسی زن و مرد را نفی میکنند .

در برنامه "گفته میشود "دولت - موقت جمهوری دموکراتیک اسلامی ایران با اعلامشای و حقوق سیاسی و اجتماعی همه آحاد ملت ، همه امتیازات جنسی و قومیتی - و عقیدتی را ملغی میسازد " اما بلافاصله در گفته‌های بعدی خود انگار را و بر مراحت بر این تسای خط بطلان میکشد ، بر امتیازات مذهب میگذارد و میگوید : "ما این ترتیب - از نظر سیاسی و اجتماعی نه زن و نه مرد ، نه قومیت و نه عقیده و نه مذهب ... هیچیک بخودی خود بدون پشتوانه آراء عمومی از لحاظ سیاسی و اجتماعی بر دیگری ترجیح -

فانونی ندارند پس روشن است که امتیاز برتری در مذهب و عقیده در قومیت و جنسیت با پشتوانه آراء عمومی میراست !! مگر همینست بسا سو استفاده از آگاهی و توهم مردم و با نکات و پشتوانه آراء ، توده متوهم تمام آزادیها و حقوق مردم را لگدمال نکرده بر همین اساس امتیازات ویژه را تثبیت ننمود ؟ اکنون نیز "دولت دموکراتیک اسلامی" نیز پشتوانه آراء عمومی را مینای امتیازات ویژه قرار می دهد . و بر این اساس میخواهد بر امری حقوق اجتماعی و سیاسی را نفی کند .

دموکراسی پرولتری که بر مراحت جدائی کامل دستگاه دولت از مذهب و نفی هرگونه امتیاز ویژه را برای یک مذهب خاص ، اعلام - میدارد ، خواهان برابری کامل حقوق - اجتماعی و سیاسی زن و مرد است . دموکراسی پیگیر پرولتری امتیازات ملی و قومی را - ملغی اعلام میکند و حق ملیتها را در تعیین سرنوشت خویش تا سر حد جدائی بر برسمیت می شناسد .

پرولتاریا که بگانه نه مدا فح پیگرد - دموکراسی است ضمن تا کید و تمسیر آزادیهای سیاسی ، آزادی عقیده و بسا ، آزادی تجمع ، آزادی احزاب سیاسی و سازمانهای و انجمن

های صنفی و دموکراتیک ، آزادی مطبوعات - لغو هرگونه سانسور و اختناق ، حق اعتصاب و ... خواهان ، ابتکار عمل شده است . - برسمیت شناختن خورا های توده‌ای بمنوان ارگانهای اقتدار رتوده‌ای ، بعنوان ارگان - های تصمیم گیرنده و اجرایی ، در همان حال تضمین عملی بقا آزادیهای سیاسی و حقوق دموکراتیک توده‌ها است .

پرولتاریا در بر سر تا مه حداقل خود ، انجام اقدامات عاجل را در جهت تحقق خواستهای مردم و بهبود شرایط زندگی آنها ، تا مسکن کار ، مسکن ، بهداشت ، آموزش را بگرا ن و مزایا و نفع زندگی توده‌ها ، امری فوری اعلام میدارد .

و اما مسئله دیگر اینست که در برنامه ... حتی بصیاری از ابتدائی ترین خواست کارگران اشاره نشده است . تنها لازم بذکر است ، که خواست عمومی کارگران - برسمیت شناختن شعار "ما ساعت کار رو دو - روز تعطیل در هفته نیز در این برنامها - جایی ندارد .

ما در این نوشته کوشیدیم که تنها در - مفاصله با خطوط کلی برنامها پرولتاریا در انقلاب دموکراتیک و نکات اساسی آن تا پیگیری مجاهدین خلق و ما هیت برنامها آنها را نشان دهیم و بر این مسئله تا کید و رژیم که تنها طبقه کارگر یعنی طبقه ای که تا ریح رسالت دگرگونیهای عصر ما را بر عهده آن قرار داده است و در نهایت در راه استقرار سوسیالیسم و کمونیسم مبارزه میکند ، فاقوس است در ارتقاء خود ، بورژوازی فقیر و میان حال شهروروستا و با استقرار جمهوری دموکراتیک خلق ، انقلاب عدا میریالیستی - دموکراتیک را بر انجام قطعی نش برساند .

هیچ نیروی دیگری حتی دموکرات ترین - خورده بورژوازی فا در نیست این وظیفه را با نجا میرساند و در رسالت آنرا بر عهده گیرد . این روما هیچگاه ، در این صورتی بریم که نیروی دیگری جز پرولتاریا بیگانه - مدافع پیگیر دموکراسی باشد . اما سخن بر سر این است که مجاهدین خلق در ارتقاء - لیسرا لیاحتی پیگیری یک دموکرات انقلابی را نیز ندارند . آنها اگر چه در برنامها اشاره - شده یک گام از مسافتی بر سرستی شورا قرار تر نهاده اند ، در برنامها بورژوازی دموکراتیک - تا پیگیری را اشاره داده اند . ما مادامه در اشتغال با بورژوازی لیسرا ل قرار دارند .

نمی توانستند در حد یک دموکرات انقلابی - پیگیری داشته باشند . از این رو وظیفه ما است که بیکباره علیه نا پیگیری مجاهدین خلق مبارزه کنیم . بکوشیم زموغ پرولتاریا را انقلابی - آنها را تا سطح خود ارتقاء دهیم و در جهت تلاش وحدت آنها تا لیسرا لها گام برداریم . ما در شرایط کنونی و رو به پیشرفت لیسرا لها یک پای آن محسوب میشوند و مجاهدین خلق تحت تا شیر سرنا مه ای آن قرار دارند و ما زوا صولتی نمی دانیم ، ما بنحو مشروط و آنتاشی که مبارزه شورا در خدمت ارتقاء ، مبارزه توده‌ها و منافع آنها است از آن حمایت خواهم کرد و حتی میتوانیم بر سراسیونهای مشترک با مجاهدین خلق - اتعا د عمل ها شی داشته باشیم و چنانچه - اشتلاف مجاهدین خلق با لیسرا لها در هم شکسته شود ، ما غریب بر مینای جا و چوب بر نامه حداقل پرولتاریا در انقلاب دموکراتیک با مجاهدین خلق دست بیک اتعا د علیه رژیم جمهوری اسلامی بر زمین . سرنگون یا در رژیم جمهوری اسلامی ، برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق .

استقلال - کار - مسکن - آزادی

خمیننی باتمام

بقیه ز صفحه ۱۰

حتی الامکان از ایا زدا شت فرزندن - خودداری شود آری فرامین خمیننی تنها - سرما به داران وزمینداران و موالمالک متددشان را در بر میگرددوسی فرمان ۱۶ ذرخمیننی تکمیل کننسه سبای شهای اخیر رژیم جمهوری اسلامی درجهت برآه اندازی هر چه سریعتر سیستم فرتوت سرما به داران است. این فرمان مکمل سینت - های سرما به داران نه نوری عالی فانی است که اینک وظیفه خنیرا شریع دریا - سازی سرما به داری را عهده دار گشته است. هرگاه فرمان اخیر خمیننی را بهر آه - سخنان دیگر دولتمردان در نظر گیریم، هر گاه سخنان هاشمی رفسنجانی در نما زجمه تهران را که صریحا "حمایت از منافع - سرما به داران را تضمین کرد آنا نرا - حرکت درجهت به گردش در آوردن چرخهای - سرما به و تداوم و تشدید استعمار و غارت فرا خواتد و سخنان موسوی خاتمی از نخست وزیر را در محاسبه مندرج در جمهوری اسلامی ۴ شنبه ۲۷ آبانماه که از نوزدهمان تخمین را - سرما به داران داد و همان خواهش و تمنها را از آنها کرده سخنان خمیننی سیزدهم، هر گاه فتوای خمیننی جهت نجات بانگها از - ورشکستگی یا بهیارت دیگر جهت نجات سرما به - بخرن توده ها و تگاپوی عربان رژیم جهت - وادار کردن مردم به پس انداز را به یاد - آوریم، ایضا دجران روشنتر میشود. اینک بحران اقتصاد بیجایی رسیده است که دیگر محالی جهت فریبکاری، برده پوشی و بیگاری که ما ک خدا میرا نیستی درجهت حراست از - سرما به نیست. اینک بحران تمامی برده ها را بگنا زده است و خمیننی را نیز به حمایت و همچنین به تضرع علیی در مقابل سرما به - داران واداشته است. اینک هرگونه تاخیر به بهای کل موجودیت رژیم تمام میشود. - پس تا خیرجا یز نیست. از اینرو است که دیگر هیچگونه هنگ حرمت سرما به و مالکیت مجاز شریعتی نبود. با پیدا منیت سرما به و - مالکیت بطور کامل تا مین و تخمین گردد. اینک نه تنها با بد بهر طریق ممکن با کشتار و سرکوب و جوخه های مرگ شوده ها را از تعرض به سرما به با زدا شت بلکه دیگر اوباشان و قداره پیدا یوزیم که در مسیر سرکوب توده ها "گاهی" جهت برتر کردن جیب هایشان - دست تعرض به سوی اموال سرما به داران - دراز میگردند نیز با بد بهار شوند. سرما به با پیدا منیت خود را با زیا بد.

رژیم اینک تمامی نیروی خود را جهت - فاش آمدن بر بحران، بحران هاشمی که خاکمیت را بر لبه پرتگاه محفوظ قرار داده است بکار گرفته است. از سوی توده ها را به وحشیانه - ترسین شکل سرکوب میکنند و زسوی دیگر بیشتر از پیش حمایت از منافع تمامی - سرما به داران را در دستور روز قرار داده است از سوی سنی دارد با قتل عام میا رژیم - کشتار و سرکوب توده ها با بکارگیری سربزه درگاه خانات و روستا ها با برقراری جو - اختناق و خفقان، زمینه های مساعد جهت مهار زدن مبارزات خلق را فراهم آورد و تدارم - و تشدید استعمار و غارت وحشیانه میبالیستی را مسیرا زد. و از سوی دیگر با تخمین امنیت سرما به و مالکیت سرما به داران را به گردش در آوردن چرخهای استعمار و ترغیب کند. رژیم

در پی ایجاد جزیره ثبات و امنیت است که شاملها بران خمیننی میگرد. اما با بدگفت که رژیم جمهوری اسلامی بهیچ روی قادر نیست بر بحران فاش آید. - سیا شهای ورشکسته اقتصاد رژیم، رژیمی که سعی دارد در عین حفظ سودهای میلیاردر تومانی تنها سیستم سرما به داری وابسته را به راه اندازد، قادر است رونق را به اقتصادی این چنین ورشکسته و بحران زده با زگرداند نه سرکوب فاشیستی رژیم قادر است توده - های را که از فتنه فقر، گرسنگی، جنگ، - بیگاری، گران و آوارگی به تنگ آمده اند مهار نماید. خالی شدن ذخیره ارزی دولت در معرض تحطیل قرار گرفتن کارخانجات بسیاری به علت نبود مواد اولیه، مدیز - ماضی و... روی آوری روز افزون سرما به - ها از بخش صنعت به سوی بخشهای انگلی اقتصاد چون ایجا دنما بشکایهای اتومبیل دلالی و واسطه گری... همچنین مبارزات روز افزون توده ها که نمونه های با رز انرا در مقابل و مفاومت حاسی خالی کاران - شمال در مقابل فروتن جباری برنج به قیمت خاتمان بر انداز، مبارزات گارگران شوقا زکارواستار لایت و پارس الکتریک و ... بیانگکارت گشته تنها سیا شهای رژیم از پیش محکوم به شکست است بلکه هاله مقدس خمیننی نیز فرو افتاده است. و دیگر فتوای "امام" نیز در نزد وسیعترین توده ها رنگ - باخته است.

در این میان در شرایطی که تقدس - خمیننی در نزد توده ها لکه دار شده است، در شرایطی که خلق گرسنه و فقیر در زیر چکمه های دژخیمان جمهوری اسلامی آخرین برده های تومر را به کتار میزند با بد به تبلیغ هر چه وسیعتر سرنگونی انقلابی رژیم و در راه آن خمیننی پرداخت.

سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی، رژیمی که برای توده های زحمتکش خلق دستاوردی جز مرگ و فقر و بی چینی، گران و جنگ و سرکوب نداشت است اینک خواست وسیعترین توده های خلق است. توده ها اینک از زندگی فلاکت باره تنگ آمده اند و دیگر چشم امید خود را از لاشیها "سرگرفته اند اما این کافی - نیست. با بد به توده ها توضیح داد که چرا - خدینی توانست اینگونه خواسته های آنان را با یمال کند. چرا خمیننی توانست خیانت به خلق و خدمت به سرما به را پیشه کند، چرا - آنچه میا رزه و آنچه شهید دست جوخه های مرگ خمیننی بر باد رفت، با بد به توده ها توضیح داد که چرا خمیننی قادر است اینگونه دست به کشتار و سرکوب بزند. چرا خمیننی می تواند اینگونه وقیحا نه دستاورد های قیام را به پای سرما به داران قربانی کند و از اموال و مالک محترمان دفاع نماید. چرا خمیننی میتواند در مقابل توده ها قرار گیرد؟ آری با بد به توده ها گفت که تمامی - مسائل تنها ریشه در خلق و خلق و بنا بودی تشکلهای توده ها دارد. با بد به توده ها گفت رژیم جمهوری اسلامی چون رژیم سرما به - دارا دیگر تنها آنگاه توانست کمر به - نا بودی انقلاب ببندهد که خلق را خلق - سلاج - کرد و شوراهای کارگران، دهقانان و - زحمتکشان را نا بودی از محتوای تهی کرد. از این طریق و تنها از این طریق میتوان - مسیر سرنگونی انقلابی رژیم جمهوری اسلامی را به توده ها نمایاند. با بد به توده ها گفت تنها خلقی متشکل و مسلح قادر است بر - ویرانه های جمهوری اسلامی حکومتی مردمی برپا سازد.

نمونه ای از جایات رژیم



مجا هد شهید جلیل جعفری که فرزند خانواده ای زحمتکش از ملایر بود، در - تاریخ ۱۳ مه در ایلام اعدام میشود و بدون اینکه خبر اعدام، اعلام کرده خانواده شهید از تاریخ ۲۰ مهر پس از زحمتجوی سیا رجدان مبارز را در یکی از - بیمارستانهای همدان (بیمارستان اکباتان) میباید. وجدان را به زانگاهش ملایر و روستای بهر آبا دمیرند. کلبه - حسن که یکی از افراد کمیته ملایر است و مناس "خود را همه کاره روستا میداند از دفن او در قبرستان عمومی جلوکو - کرده و میگوید مردم! آجا زه دفن منافق را در این قبرستان نمیدهند. مردم روستا که از جریان مطلع شده بودند همگی جمع شده (۴۰۰ نفر) و میگویند هر کس ما منع دفن جسد تکه تکه اش می کنیم - ابتدا - جسد را که مردم همه را میگردند در باغی برده و شستوی میدهند اما مردم با منظره فحیمی رو بر میخوانند، جای شش گلوله در قلب شهید دیده میشود با زویش کبود بود و روی سینهاش آنا رکابل و آتش سیگار شهید بود و نه خشت یا پیش را کشیده بودند و کف پا هایش سوخته بود. جسد به مدت یک ساعت بهمان حال روی چوبی کته برای شستوشو ده بودند قرار داشت و مردم دستها زده و جنتا بات مزدوران خمیننی را مشاهده می کردند. از آنجا که این مجا هد شهید دوران رژیم شاهانه مظهر مبارزه و مفاومت بودشیدا "مورد علاقه مردم بود، مشاهده این صحنه شرم و نفرت عمیق مردم را برانگیخت و مردم می گفتند. این رژیم کسان را که رژیم شاه را سرنگون کردند نمیخواه دیگه - با بسوهای شاه را میخواند. جلال میخواند: "کمیتته های دزدها و ساواکی هاست جای تونست دانشجوی مجا هد و سپس در حالیکه این جملات را بصورت شعرا میخوانند - بسوی قبرستان عمومی حرکت کردند. شرکت گسترده مردم روستا بعدی بود که با ساران مزدور جرات هیچگونه حرکتی را نداشتند و مردم بیکار چه فریاد میزدند هر آنکس که قلبش توانا نشانه گرفت ما نیز قلبش را نشانه خواهیم گرفت. قابل ذکر است که او در سال ۵۹ نیز توسط گروه تروریستی شید وابسته به سپاه پاسداران دستگیر شده و پس از اینکه او را به بیابانهای اطراف کرمانشاه برده و با جاقو قنداق تشنگ شدیدا "مفروب و مجروح میشود و سپس به زندان سیا برده و مدتی نیز در آنجا شدیدا "زیر شکنجه میروند، موفق به فرار از زندان شده بود.

رهبری طبقه کارگران پیروزی مبارزات ضد امپریالیستی - دموکراتیک خلقهای ایران است

جنبش کارگری

کارخانه با پر

روز دوشنبه ۱۹ آبان حکم اخراجی حدود ۲۵ تن کارگر موقتی که برای دوماه استخدا شده بودند از طرف مدیریت فدکارگر این کارخانه به آنان داده شد.

این کارگران موقتی که دوماه کارشان را دوره آزمایشی تلقی نموده و منتظر استخدا شدن بودند، حکم استخدا مدایمی خود را دریافت کردند. اینک با اخراج غنود زوبرو می شوند (لزم به یادآوری است که موقتی ها دوره قبل بعد از سه ماه دوره آزمایشی استخدا شدند) این عمل حسی و نظریه ها بر کارگران و آبروانگیزگی آنها میگذشت: "لان شوی این بیگاری - اخراج کارگران کاری خدا نقلی است." تا موقتی که خودشان احتیاج دارند را به بدنی می کشند و هرگاه که کارشان تمام شد اخراج میکنند. زندگی کارگر مگر با زحمت است که با بنظر به زین میگردند. چرا قانون به آنها اجازه میدهد که چنین کاری بکنند.

اینک دوستان کارگر ما در کارخانه با پر در می بیند که این اقدامات طبیب قانون جمهور اسلامی است و بنا بر رژیم جمهوری اسلامی، رژیم سرما به از آن بر کار است این اخراجها بی عدالتیها دامنه خواهد یافت و در انتظار یک کارگران خواهد بود.

کارگران با پر با بدی استخدا خود در مقابل این اقدامات با بستند و سعی نسا بعدا اخراجی ها را به سرکار بازگردانند.

مبارزات و مقاومت

بقیه از صفحه ۱۷

جلوی درنگهای در حال با زدید بدنی گفت: "گر چیزی داری به من بده" من که متوجه نشدم گفتم: "چی؟" گفت: "گر چیزی داری بده من با سدا را ها اینها هستند." گفت: چیزی ندارم. در همین موقع در داخل با زدید یک نفر گفت: "بفرما شید برادر" من داخل رفتم، دوپا سدا بودند که بی از گرفتن کارتنی که می به آن کرده گفتند: "شما فردا به با زرسی بروید" گفتم: "چرا؟" با سدا را عیبا نیت گفت: "چرا ندارم؟" برو بعدا زنگی جرو بحث بیرون آمدم. بنز مکی رنگی با ۲ پا پدار شروع به تعقیب من کردند. داخل یک فروشگاه ایزار ما شین شدم. با سدا را کاسی جلوتر ایستادند و به من نگاه میکردند. در حالی که چشم به ما شین با سدا را بود گفتم: "آقا سیم با طری ندارید" منا زده را متوجه موضوع شد برش را تکان داد و شروع به صحبت کرد: "آقا کاران شده، سر سیم پیدا نمیشه... من هم همین را میخواستم در این موقع کامیون بزرگی پشت بنز ایستاد و بوق زد، بنز مجبور شد کمی جلوتر برود. بعد بیک کامیون جلومنا زده را گرفت بیرون پریدم. دکاندا رکست موفق باشی" از لای ما شینها به آن طرف خبا بان رفتم و فرار کردم.

در شان دهنر زهای محل برای گرفتن مرغ سف بسته بودند. مرغ که تمام شد شعی کارش را تمام کرده است از مرغ - فروشی دیگری مرغ بگیرند. زنها به منا زده دیگر میروند اما متوجه میشوند آنجا هم مرغ تمام شده است. اعتراضها با لامیگر و هر کسی چیزی میگوید - با لایره هکی تصمیم میگیرند به خانه

و با تشکیل صندوق بیگاری و کمک مالی به اخراجی ها مبارزات آنان را تا اوم - بخش

گفتش من

اخیرا "از جانب های ت مدیریت یک بیانیه انجیاطی برای کارخانه های ملی، الوند آذرین داده شده است. شباهتهای زیاد این بیانیه با روابط انجیاطی زمان شاه، بیگاری و دیگر ما هیت سرما به دارا نشد. وضد کارگری رژیم را به نمایش میگذارد. این بیانیه شامل تشویقات و تهنیت ها و تحلفات می باشد و در این بین یکی از موارد تحلفات درجه یک، تشدید "جلب نظر میکند. این مورد "توهین به جمهوری - اسلامی و مشوش گردان دادن کارگران - نیت به جمهوری اسلامی است که بیسی اختیار انسان را به بیگانه میگذرد. قیل از قیام می باشد و گفته می شود: "بیگانه (رژیم شما) فکر می کند که هر کسی گفت من مخالف نیستم شما هم نباید بزدانان با اقدامات خود

شیدر (منشی انجیر)

در پی اقدامات مکرر رژیم چنانستگار خمینی، فرزند بیگاری از کارگران این کارخانه نیز با هم می شود. کارگران برای اظهار همدردی با همکاران که فرزند مبارز را از دست داده بودند، دسته دسته به خانه او میروند. آنها بدینوسیله بی توجهی به تهدیدات و جوا غنا قسی، تو دهنی محکمی به رژیم سرما به داران میزند. فردای آنروز یکی از کارگران شروع به صحبت می کند و ضمن افشای رژیم به تشریف و تمجید از زمانهای انقلابی

عامل فروش مرغ، در منطقه بیرون، یکی از زنها میگوید: "الان مملکت، مملکت الله اکبر است پس الله اکبر بگوئیم و برویم تا مرغها را از جلومش بیرون بکشیم" زنها جمعا "براه افتادند."

در مورد سده ولتی دو نفر از کارمندان توسط با سدا دستگیر و سده کمیستید معرفی و به جرم "شایعه پراکنی" دستگیر میشوند. بی از دستگیری مستخدمین، راننده ها و کارمندان آدا را به طریقی مختلف به این عمل اعتراض می کنند. کارمندان در همین حال به با سدا پرغاش می کنند و فلان کارا اورا محکوم میکنند. دیگر کسی با اسلام و علیک نمی کند و عکس العمل همه نسبت به او عونی شده است. مستخدمین و بعضی راننده ها حتی با - بگذرگر جمع به کتک زدن او قنیت میکنند. طرفداران این با سدا را تفریدی شدید میشود که حتی ۳ نفر از زنها ای انجمن اسلامی که یکی گارمند و دو نفر مستخدمین با او و بحث می کنند و زدن کردن گزارش به کمیستید را شدیدا "تطبیح می کنند. یکی از همین انجمن اسلامی می ها به با سدا را میگوید: "با این کارها نیت اسلام را بدنا کرده ای" در اثر برخورد های کارمندان و مستخدمین با سدا راننده ها ست سعی میکنند ملاقاتی بشوند.

در کارخانه ای برای اخراج ۳ کارگر انجمن اسلامی می ها طوما رجم می کنند و با گرفتن امضاء از طرفداران خود خواهان اخراج آنها می شوند و طوما را به شورای فرمانی خود میبرند. فردای آنروز ۳ کارگر میروند اما میروند بدین مضمون که "ما امضاء کنندگان زیر این ۳ نفر را از نظر کاروا علق تا کشید می کشیم و ما قریب اخراج آنها نیستیم" ۶۷ نفر تا امضاء می کنند. شوروی

میروند. روز بعد سها با سدا را با - بوش به کارخانه میروند، چند تن از کارگران را دستگیر می کنند. در پی اعتراض کارگران و از آنجا که این افراد از موقعیت شغلی خاصی برخوردار نبودند، پس از ۱۲ روز، تحت فشار مدیریت کارخانه ازاد می شوند.

کارخانه فرنیخ (منشی انجیر)

در هفته اول مهر ماه کارگران اعتراض به اخراج ۴ نفر از همکارانشان دست به اعتصاب زدند. جرم این ۱۳۰ نفر حمایت از کارگران شرکت کننده، نظرات کارگران شهر منشی می باشد. (نظراتی که با اخراج داده، در اعتراضی به تروروا احتیاج انجام شده و با یسروش با سدا را سرما به به خون کشیده شد. کارگران در اعتراض به اخراج همکاران مبارزان می گفتند: "امروز اینها را اخراج میکنند، شمشیر فردا نوبت ما است" عوامل سرما به که فکر می کردند با اخراج این ۱۳۰ نفر دیگر کارخانه را حرکت اعتراضی جدیدی رو برخواهند داشت، با این اعتصاب مات و مبهوت شده بودند. اما راه دیگری وجود نداشت، اینان نیز در شب برگ و زندگی که رژیم سرما به داران آغاز نموده است با - گذارده اند و راه حرکت ندارند. اینها نیز اخراج میشوند و اعتصاب کارگران بسا شکست رو برود. کارگران در صحبت ها می گویا همداختند و زحمت و تشکل ندا خشن گله می کردند. آنها میروند تا با تجارب جدید و بر طرف کردن اشکالاتشان غروقی تازه ای را سازمان دهند.

فرمانی در مقابل این عمل قادر نیست به بشردن اعمال فدکارگری اش نمی شود.

در گزارشی از یکی از با لاشکا هها آمده است: در همین کارگران کم کاری بطور چشم گیر دیده میشود. کارگران... این کم کاری را بطور آشکار نشان میدهند که هم برای مدیریت و هم نجن وسبانه روشن می باشد. بطور مثال تصمیمات کلی دوستانه حدود دو هفته عقب افتاده که خود نشانگر کم کاری و نارضایتی کارگران از اقدامات اخروزی رژیم است. کارگری نیت می باشد. این کم کاری در واحدها می چون حمل و نقل و کارگاه مرکزی بطور زیاد دیده میشود. کارمندان نسبت به این شیوه مبارزه کارگران نشانه تنها عکس العمل مخالفی نشان نداده اند بلکه در آنها گرایش همکاری با کارگران وجود دارد.

در کارخانه ای کارگران دست به تشکیل صندوق وا زده اند. اینکار را پس عمل شما از خود کارگران است. بعضی اینک چه کسی استحقاقی و امداد توسط شورای صندوق گرفتار می شود. دست انجمن اسلامی و کارفرما کاملاً از این صندوق کوتاه است. در یک قسمت کارخانه - کارفرما میخواسته عضو صندوق شود که کارگران مخالفت کرده اند.



اخبار شهر ستانها

مردودشت - به نقل از غرورش - نشریه
هواداران سازمان چریکهای فدائیک
خلق ایران - شیراز - شماره ۹

در روز ۱۲ آبان مزدوران سرما به
یکی از هواداران مجاهدین را که به
اعدا محکوم شده بود به منظور اظهار
در حضور مردم به میتنگ فرماشتی آورده تا
فردم بیو برای آنان سخنرانی کرده و
آزادگان خود اظهار ریشمائی نماید !!
سپس وی در جایگه ای که جهت سخنرانی
شبه شده بود قرار میگرفت و مردم را
اطراف او را با صدای سرما به گرفته
بودند و شروع به صحبت میکنند وی پس از
اشاره به ماه مهر و نقش امام حسین
مبارک فرمود:

آیا میداند حسین های دوران مسلمان
چه کسانی هستند؟ و در حالی که مزدوران
سرما به شما منتظر جواب مناسب بودند.

مجاهدان را میگوید:
حسین های دوران ما هزاران مبارزی
هستند که در زندانهای ایران توسط رژیم
فدائلی به جوخه های اعدا سپرده میشوند
با گذشتن این جملات اکثریت کسانیکه
در مراسم شرکت کرده بودند بیعتوان تا شد
شروع به تکبیر زدن میکنند. با صدای
سرما به که به هیچ وجه انتظار چنین حادثه
- ای زمانه دشمنان شاه کارشان نشانی
آب شده بود، از شدت خشم و زبونتی این
مجاهدان را به زیر کشیده و با حملات
وحشیانه خود به جان او افتاده و وی را خیلی
سریع از محل جمع دور میکنند.

هواداران سازمان... در یکی از
روستا های اطراف اهرم که در فاصله
کیلومتری جنوب بو شهر واقع شده است
شما را می سازمان را دیوار نویسی کردند.
- شما با صدای طبیب بر نامه قبلی
کلاس کارآموزی - اپدولوژی نهضت
سواد آموزی بو شهر را محاصره و بعد از هجوم
به کلاس، اسامی علی محمدی مسئول امور
تربیتی بو شهر را که یکی از چند عضو برجسته
تربیتی حزب جمهوری اسلامی بو شهر و
رئیس مسئول تنظیم احکامات انجمنهای
اسلامی مدارس و زانهای امرای
سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی است در
جلو چشمان متممب کارآموزان دستگیر و بعد
از ضرب و شتم فراوان چشم او را بستند
و به ضرب و درما ندهی شما و از آنجا به زندان
سپاه هداایت میکنند. روز بعد که از آزادی
اسامی علی محمدی خبری نمی شود، اتحادیه
- های انجمن های اسلامی مدارس شوراء
های محلی بسیج های محلی بعد از مشورت
اعلامیه ای در سطح شهر پیش میماند که در
آن به وجود میماند صرفاً فک و فدا انقلاب در -
سپاه هداایت بو شهر را ره و با و باشت
اسامی علی محمدی را حرکتی فدائیک و
نتیجه قدرت طلبی و انحصار طلبی متاسفانه
متشکک شده اند. فدا کنند. فدا کنند
ایلام نیز در همین رابطه اعلامیه داده و این
حرکت سپاه و ما برپا قانون اساسی
خواسته است. در جواب این اعلامیه شما
سپاه هداایت را این حرکات را حجاب شده
و وابسته به اشخاص و برپا نای باطل و ضد
ولایت فقیه و خط امام و سپاه میماند و
خواستار طلع نخلی تمام شوراهای اسلامی
و بسیج های محلی و از جمله فدا نشانی سلام
میگردد. که موجب برخورد های در شهر
میگردد. بسیج های محلی متکبرانه کرده
و از تحویل سلاح به سپاه امتناع می نمایند
در مراسم روز جمعه ۶۰/۷/۲۲ درگیری

- هاشمی بین مخالفان و موافقان اسامی
محمدی روی میدهد. طرفداران او دست به
یک راهپیمائی میزنند که عده ای از
اعضای سپاه با صدای سرما که بومی هستند نیز
در آن شرکت و بر طرفداران سپاه هداایت
بو شهر "هفتائی" شعار می دهند که توسط
سپاه هداایت و روز بعد حکم تعلیق و -
تراجع پیدا دگا به آنها داده میشود از -
جمله شخصی به نام زمول با حسینی.
چند روز بعد حکم آزادی اسامی علی -
محمدی صادر میشود اما او از خروج امتناع
نموده و خواستار بررسی مسئله با زدا شش
میشود.

هواداران محمدی گفته اند که در مدت
این هفته یعنی تا آخر روز جمعه اول آبان
هیچکس از تهران برای بررسی و با کتاری
سپاه هداایت بو شهر نیاید. مدد و اسراحت
خواهند کرد.

مدارکی از هکارتی های گذشته (قبل
از قیام) اسامی علی محمدی، طبیب محمدی و
سید مصطفی حسینی (معم) در دست است که
مبلغ قابل توجهی از انجمن فدائیک
ما بق حیث و میل کرده اند. دو کالسیه از
این مدارک میخوابد و در علیه آنها استفاده
نمایند.

- در نماز جمعه ۶۰/۸/۷ بو شهر امام
جمعه در بخشی از سخنان میگوید... من
آمده ام اینجا که در مورد اعدا میانی که
مورت گرفته توضیح و برای مردم توضیح
کنم. این کسانیکه اعدا شده اند افرادی
سازمان یا فتنه و تشکیلات بودند و اکثر
آنها در خانه های شخصی دستگیر شده بودند
... در اسلام با کسانیکه به جنسیت
مسلحانه دست میزنند چه برخورد کرده
است - اعدا ۲ - قطعه نوشته کردند دست
و پا ۳ - بد را و بیعتن ۴ - تبعید چون -
اینها بطور تشکیلاتی عمل می کنند ما هم
طی نشستی که با مسئولین داشته ایم تصمیم
گرفتیم متقلاً تشکیلاتی کار کنیم و اگر
میخواهیم بطور جداگانه با اینها مقابله
کنیم شکت میخوریم... مردم از این
اعدا میانی یعنی تا راعت شوند چون
اینها تصمیم به نای بودی ما و اسلام گرفته اند
و ما هم تصمیم به نای بودی آنها گرفته ایم.
اگر آنها بکنند از ما ترور کردند ما صد
نفر از آنها را اعدا کردیم...
- در پی اقدامات جنایتکارانه رژیم
مبتنی بر اعدا های دسته جمعی ما رژیم در
بو شهر در تاریخ شب ۲ آبان و بطور متداول
در شبهای دیگر توده های زحمتکش این
شهر را دهگشته شدن ۲۸ نفر از جوانان
زنده. این استان بوده اند که در میان
اعدا شدگان ۵ نفر از آن دختر بوده و
همچنین دو برادر زنهای محمد و ما
- الله دشمنی از اعضای فعال تشکیلات
اکثریت در بو شهر بوده اند و این نشان
میدهد که رژیم مزدوران ش هم رحم نمیکنند
اعدا نهی آخری که رژیم بطور مطلق صورت
گرفته بود اما صبح فردای آن روز
اعدا مها در شهر ششیده میشود و بر سرها
بود و توده ها با فحش و دشنام نفرت خود را
از رژیم نشان میدادند. همچنین طبق
اخباری که از درون زندان آمده است
خونخواران رژیم در شب ۸ آبان که ۱۲ نفر
را به جوخه اعدا می نمایند به نای نزدیک
به یک ساعت به پایهای آنان ضعیف میکنند
و از این طریق آنان را اذیت و شکنجه
میدهند و بعداً جوانان را نمرده ها جوانان
خلق را به رگبار میزنند.

- خبری از آب انبار و سیف - قطعه
آب انبار و سیف بدین صورت است که با
آب انبار در جنوب شهر نزدیک
روستای گورک در چند کیلومتری آن واقع
شده است. از این آب انبار بیشتر رژیم
ما کم برای پنهان کردن اجساد انقلابیون
استفاده می نمایند. در جریان اعدا های -

پی در پی آبان ماه چند نفر از اهالی
آن روستا در بو شهر با آب انبار و سیف
مشغولند. راهپیمائی خود می کنند و
تندیک شدن زمین به آب انبار را گمان
چند نفر از جوانان را می بینند که به دلیل
سوراخ سوراخ بودن بدندان هیچکدام
قابل تشخیص نبودند. این خبر بلافاصله
فردای آن روز در همه جا و در شهر بو شهر
پخش میشود. رژیم خونخوار و سفاک جمهوری
اسلامی بلا درنگ اقدام به قتل و اختطاف
اجساد میکند. در روزهای اخیر باغ شده
است که رژیم برای دیگری را برای پنهان
کردن اجساد انقلابیون اختطاف کرده و آن
مکانی است در نزدیکی نیروگاه آبی در
بندگاه. دوران منطقه درهای داغته آبی
وجود دارد که رژیم برای پنهان کردن آثار
چنانچه آثار از آن بوده مجبورند اما رژیم
قابل از آن تشکیلات انقلابیون در قلمرو
شده ها جای دارند. حال اجساد آنها هرگز
نگه با شدت و تنی نمیکنند. در بو شهر از ۱۲ -
آبان تاکنون ۶۰/۷/۲۰ در حدود ۲۸ نفر
اعدا شده اند ولی اعدا هیچکدام مرابسه
ظا شواهدا پنهان پس ندها ند. به جز آن
دو نفر اکثریتی آنها با تحقیر و اذیت
بول. دلیل اینکه اجساد را پنهان شده ها
نمی دهند وجود آثار شکنجه و حشانه بر روی
اجساد میماند.

چرخش - ۶۰/۸/۲۱

بدین اعدا ۵ نفر از هواداران -
مجاهدین خلق شبها از ساعت ۱۰ به مدت
۵ روز عملاً حکومت نظامی برقرار بود.
ولی روزها قبرستان بر از رفتن و آمدن بود
و برای دیدن قبرها اعدا میماندند.
مخصوصاً "داغستان" از موق برکتی از
گورستان چنانچه نشان گریان بود. و بعضی
در جواب سئوالات می گفتند: این شهدایی
که به مردم میماندند و در نماز میمانند
میدانیم هیچ گناهی نداختند از اینجاست
معلوم میشود که طرف قدرت طلبی و حکومت
کردن به مردم جوانهای مردم را می کنند و
یکی از شهدای کم سن و سال بنام زهره
بوسخی وصیت نامه ای نوشته بود و در لاش
مغنی کرده بود و ما درش موقع دفن پیدا
میکند. نزدیک قسمت وصیت نامه نوشته بود:
ما در جان لبای غمی را نگهدارید -
برای روزی که مردم تشنگان ما را از این
ظالمان خواهند گرفت.

چرخش - ۶۰/۸/۲۲

بعضی تاریخ شدن هواپیمارگان -
گومله و اردشیر شده و بعد از دستگیری و
طرح کردن ۸ نفر از جاشهای محله جاش
- آب مسجد محله را به تصرف خود در آورده
و بعدت سه ساعت با خواندن سرودهای
(ای رفیق او) (همزیگانه) گداهالی محلی
نیز همداشته بودند و شادان سرود
را به آدا نه مبارزه تشویق نمیدادند.
برنا با نژادک بعد از منزل یکی از
جاشها دو نفر (زن و شوهر که هر دو جاش -
نودند) را گرفته و یک جاش دیگر را در محلی
اعدا انقلابی میکنند. مزدوران رژیم که
در شام مدت شب چراغ بیرون آمدند -
نداخته روز بعد شادان شده و به اذیت و آزار
مردم پرداختند و حدود ۷۰ نفر از جوانان
بندگاه دستگیر کردند. انگیزه حملات
بعضی گومله به طره شده است یکی از
رفقای گومله (رفیق فخره) بوده که چند روز
قبل حمله آفریده بود. رفیق فخره برای
دیدار با جوانان بوده به روستای نوره میرود
مزدوران بعد از مطلع شدن روستا را
محاصره کرده و درگیری آغاز میشود. به شریک
فهرمان گومله بعد از چند ساعت بقا دست
و کتکن ۶ مزدور رژیم نمودن ۷ نفر
از آنها خودکشی میکنند. مزدوران رژیم
بعد از زکشتن برادر ۲۲ ساله اش خانه او را
بسیه فرستاد ۱۱

اعمال فشار فرهنگی و اجتماعی به اقلیت‌های مذهبی،

خشم آنان را به مرحله انفجار رسانده است

اعتصابات و اعتراضات دانش آموزان ارضی، زرتشتی و کلیسی

وزیم جمهوری اسلامی به موازات طلب حقوق از تمام اقشار و طبقات جامعه مردم با امتزاج آزادیهای سیاسی و حقوق دیمکراتیک به مذهب شیعه فضا رزانشده لطفی را به هموطنان ما اعمال میکند. در این میان فشارهای فرهنگی و اجتماعی به اقلیتها و مختلف به اقلیتهای مذهبی، اعم از - هموطنان اهل سنت و بخصوص اقلیتهای غیرمسلمان به شدیدترین وجهی اعمال میشود.

مرفضت از تصمیماتی که در قانون اساسی و سایر قوانین (تفسیر قانون) قیامی نسبت به اقلیتها و مذهبی ایران اعمال شده، و با درجای طوابع آنها برخورد کرده ایم، و در واقع هموطنان غیر شیعه به عنوان شهروندان درجه ۲ و ۳ محسوب میشوند. اخیراً اعمال فشارها تشدید شده است. پیدا اجتماعی این تغییرات در همه جا به چشم میخورد بطوری که با این هموطنان بعنوان "تیم" برخورد کرده و در مسواری از ورود آنها به فرونگاهای کوشش مواد غذایی جلوگیری بعمل آمده است. اما در زمینه تمدن فرهنگی و قانونی و حکومتی، مدور بخشنامه وزارت آموزش و پرورش در باره مدارس اقلیتها و مذهبی است. بموجب این بخشنامه کلیه حقوق فرهنگی اقلیتها که حتی بموجب اصل ۱۴ و ۱۵ - قانون اساسی برای اقلیتها بر رسمیت شناخته شده است زیر پا گذاشته شده، از جمله اینکه مدارس جداگانه برای اقلیتها نباید وجود داشته باشد. اقلیتها حق ندارند زبان مخصوص خود را بسازند و بکنند و فرایض مذهبی خود را بسازند.

بیاورند. اما مدورا بن بخشنامه موجی از خشم و نفرت را در میان اقلیتها بخصوص دانش آموزان مدارس برانگیخت و اعتراضات وسیعی از طرف دانش آموزان ارامنه و اولیاء آنها بعمل آمد تا اینکه آموزش و پرورش براساسه طی بخشنامه ای اعلام کرد که با دگربری زبان اقلیتها بلا مانع است (البته بطور شفاهی گفته اند، این امر را میتوان در مدارس از ساعات مسمول مهربانها دید). اما این توضیح - وزارت آموزش و پرورش که در روزهای اول - نمیکرد تا شبی در فرورگش اعتراضات نکرد و در انتها اعتراضات با لاکریت تا اینکه از روز سه شنبه سوم آذرماه حدود ۲۰ مدرسه متعلق به ارامنه و چند مدرسه دیگر متعلق به سایر اقلیتها و ارضی، زرتشتی و کلیسی در خوزران بحالت اعتصاب در آمد و تا کنون (شنبه ۷ آذر) ادامه دارد. این اعتصابات و اعتراضات بگنجا وجه از حمایت بی نظیر اولیاء دانش آموزان - و کلیه افراد جوامع اقلیتها برخوردار بوده است.

شک نیست که رژیم جمهوری اسلامی با اجرای سیاستهای خود مکرر تیک خود فرورگشها و فشارهای بیشتری را به هموطنان ما وارد میکند تا آنها و تنهسا راه مقابله با این اعمال خدیشی - مقاومت و تشدید مبارزه در مقابل کلیه اعمال ضد خلقی رژیم است و - اعتراضات و اعتصابات اخیرا اقلیتها گواها رز این مسئله است. ما ضمن محکوم کردن اعمال فشارهای رژیم که طلب اولیه ترین حقوق بشری است از خواستهای بحق این بخش از هموطنان خود مجدداً دفاع میکنیم و موفقیت آنان را خواهیم آرزو کرد.

اگر مسلسلی بدوش داشتیم

اگر قلمی به بزرگی فریاد داشتیم، اگر قلمی به بزرگی عشق داشتیم، اگر قلمی به بزرگی تنفروخشا زفا لمبسن داشتیم، اگر با لکی برای پرکشیدن داشتیم، اگر مشتت برای کوفتن داشتیم، اگر با لکی برای دویدن داشتیم، اگر مسلسلی بسر دوش داشتیم، اگر چریک خلق بودیم، دشمن انسان با شما می نفرت انباشته شده در قلم، با سنگینترین قدمها به ما فشرده - ترین مشتتایم با عزم مسلسل و بسا قلب سرا سر بجهت تورا نشانه می گرفتیم. دشمن انسان اگر می دانستیم، اگر سوال پیش نیز می دادیم، که چگونه لالهها می روخ را می چید و بر سر سرفه رو نگینتان می گذارید، اگر می دانستیم که چگونه خوشی را که از قلب سرخ نکشیده ای فوران - زده در گیلانهای بلوریتان می پوزیسو بر سر سرفه رو نگینتان می گذارید، اگر می دانستیم که شما گوشت تن فرزندتان را، خلق را، مغز سرتان را، قلبتان را، قلب دریده اتان را در بشقاب بی برسیه می گذارید، فریاد میکردیم، به خلق میگفتم، بگما رگر به دهقان، به خواهر و برادرانم، به همسایه، به دهکده، به سر محله، به بقال سر کوچک میگفتم که شما و تنها خون ما و عزم ما و فداکاری ما میتواند انقلاب نیست که رهبری طبقه کارگر.

طبقه کارگر میتواند به همراه خون ما قدم بخش پیروزی ما باشد. آری بهما زش - نشسته گان، آری جلادان انسان، آری - دیوان انسان، آری شما، خلق پیدا راست - خلق دیگر هرگز به خواستهای طولانی نخواهد رفت، خلقی که انقلاب را شروع کرده تداومش خواهد بخشید. چرا که خلق ما زش - کار نیست، خلق که در ما زش بسا امیرها نیست، منافعی برای خود نمی بیند. خلق هرگز تا زشکار نیست و تا مخلق را - و شقیه جنایشها و ما زشهای خود نکند چرا که هر قدر بیشتر از ما خلق بر علیه خلق بهره برگیرد، خلق نیز بزرگتر و بسا عزمی بیشتر، با قلمی پر شورتر، بسا کینه ای، سرشارتر، با آکا هر چه چشم اندازی وسیعتر، سخت و تا چقدر رتان را در هم خواهد کوبید و آنچنان جوا بخرصت طلبان و مزدوران را خواهد داد که خود پیش از این آن هنگام که خون خلق را وسیله به حکومت رسیدن خود ساخته بودید به چشم خود دیده اید.

پس ای توده های محروم مشتت خواهد شد، گره کرده، روبرو بسوی جلادان، پس ای مشتتای گره کرده، مسلسلی خواهد شد و روبرو بسوی دژخیمان، پس ای رفقای دربند، آزادخواهید شد، آزادخواهید شد، آزادخواهید شد، یک مطلوب انقلاب

پاکستان، کراچی

به مناسبت گرامیداشت روز دانش آموز، نظارهات مشترکی از طرف انجمن دانشجویان ایرانی (این انجمن تشکیلی است تا مل کلیه دانشجویان چپ ایرانی از جمله هواداران سازمان) و هواداران مجاهدین خلق ایران در دانشگاه کراچی صورت گرفت. در این نظارهات که بیش از صد نفر شرکت داشتند ضمن تجلیل از روز دانش آموزان، جنابات رژیم خونخوار خمینی را افشا ساختند. نظاره کنندگان در مسیر راهیما نشی با مشتتای گره کرده شما را نشی از قبیل "مرگ بر خمینی"، "مرگ بر امیرها لیسیم"

"مرگ بر امیرها"، "مرگ بر امیرها را در ایران متوقف سازید" و... به سه زبان فارسی و اردو و انگلیسی می دادند که با استقبال وسیع دانشجویان سا پرکشورها و بخصوص دانشجویان بلوچ پاکستانی روبرو شد. قابل توجه است که شب قبل از نظارهات فوق، هواداران سازمان چریکهای فدائی خلق ایران، شمارهای سازمان را بر سر دیوارهای دانشگاه کراچی نوشته بودند که توجه همه را بخود جلب کرده بود. در پایان نظارهات قطبنا مه قراشت شد که در آن علاوه بر محکوم کردن قتل - عامها و توضیح وضعیت داخلی ایران، پرده از خبریدالحمه های اسرائیلی و بستن قرارداد با امیرها لیسیم توسط رژیم جمهوری اسلامی برمیداشت.

مبارزات و مقاومت توده ها را سازمان دهیم

در شماره ۱۲

زندانی سیاسی آزاد باید گردد، شکنجه و اختناق نابود باید گردد